

مدخلی بر شناسه های تشخیص بخش شهر سازی و برنامه ریزی در شهرهای اسلامی

محمد علی فیروزی

دانشیار دانشکده علوم زمین و GIS دانشگاه شهید چمران اهواز

مهیار سجادیان

دانشجوی دکتری دانشکده علوم زمین و GIS دانشگاه شهید چمران اهواز

mahyarsajadian@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۸

چکیده

به اعتقاد قریب به اعتقاد متخصصین اصولاً اسلام از آن جایی که جهت تحقق اهدافش نیاز به شهر دارد؛ دینی شهری محسوب می گردد. بنابراین به نظر می رسد که دین اسلام دارای شناسه هایی در جهت تشخیص بخشی در حوزه های شهرسازی و برنامه ریزی شهری باشد. اما مسئله این است که به اندازه اهمیت این مهم در جهت استقرار شهرهای ایرانی- اسلامی آینده کشور پرداخته نشده است. مسئله ای که می تواند این استقرار را با مشکلات عدیده ای مواجه نماید. در این راستا، این پژوهش، به سبب اهمیت موضوع با روشی توصیفی- تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای و اسنادی به هدف استخراج شناسه های تشخیص بخش شهرسازی و برنامه ریزی در شهرهای اسلامی به تحقیق پرداخت. نوع تحقیق بنیادی- اکتشافی است. بر اساس یافته های تحقیق که در محورهای متعددی طرح گردید، اسلام دارای شناسه هایی در جهت تشخیص بخشی در حوزه های شهرسازی و برنامه ریزی شهری برخوردار می باشد.

واژگان کلیدی: برنامه ریزی شهری، شهرهای اسلامی، شناسه، تشخیص، شهرسازی

مقدمه

شهرسازی علمی است که به بررسی تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فیزیکی یک شهر پرداخته و در تلاش است تا روابط موجود در یک شهر را در قالب نظامی هماهنگ، مدیریت و سازمان دهی کند.

شهرسازی یعنی مطالعه، طرح ریزی و توسعه شهرها با در نظر گرفتن احتیاجات اجتماعی و اقتصادی با توجه به حداقل رساندن مشکلات شهری و پاسخ گویی به نیازهای عمومی جمعیت شهری. در واقع، شهرسازی را می توان جزو فعالیت ها و علمی به شمار آورد که با زندگی روزمره و لحظه ای انسان ها ارتباط دارد و آثار آن در نحوه سکونت و کار و فعالیت و گذراندن اوقات فراغت شهروندان ملموس و آشکار است. از این روست که شهرسازی را می توان دانشی تلقی کرد که تلاش دارد رابطه ای متعادل بین «انسان»، «فعالیت» و «فضا- مکان» ایجاد نماید. تحقق این تلاش، بدون برنامه ریزی میسر نیست. بر همین مبنا، همان طور که در برنامه ریزی، ابعاد مختلف زندگی و جوامع انسانی با بهره گیری از دستاوردهای علمی چون اقتصاد، جامعه شناسی، مردم شناسی، بوم شناسی، اقلیم شناسی و... مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرند، در شهرسازی، نیز تمامی این ابعاد، باید مد نظر قرار داده شود تا با شناسایی و تحلیل واقعیت های موجود، تمهیدات ایجاد بستر مناسب زندگی برای ساکنان شهرها فراهم آید (سلیمانی و قادری، ۱۳۹۵: ۱۱).

واضح است از جمله مهمترین این ابعاد بحث جهان بینی و ایدئولوژی است. این بحث آن قدر مهم است که هر نوع جهان بینی و ایدئولوژی می تواند نوعی خاص از شهرسازی و برنامه ریزی شهری و بالطبع شهر را متناسب با آموزه هایش بیافریند.

اسلام نیز به عنوان دینی شهر که در شهر آفریده و در آن گسترش یافته است؛ اصولاً با توجه به آموزه هایش و فرآیند تاریخی اش دارای شناسه هایی در حوزه های شهرسازی و برنامه ریزی در شهرهای اسلامی می باشد که استخراج این شناسه ها می تواند چراغ راهی در جهت حرکت به سوی استقرار شهرهای ایرانی- اسلامی در آینده نیز باشد.

مبانی نظری

جهان در بینش اسلامی متشکل از ماده، صورت و عدد است که مکان و زمان ظرف حاوی این محتوا بوده که آن را شکل بخشیده و قابل درک می کنند. مکان از این رو واقعیتی است عینی که در قلمروی آنها اشیاء

مادی صورت، فعل و حرکت دارند. اما آنچه هویت دینی مکان را تثبیت می کند، زمینه قدسی آن است. مقدس در اینجا به معنای حضور سرمدی و حضور مرکز کل محیط است؛ لذا مکان مقدس نشانگر حضور ذات سرمدی در محیط انسانی است. عالم خود، انعکاس بازتابهای مکان ازلی است، که در قالب اماکن مختلف دیده می شود. این حلول الهی در قالب صفات و ذات اقدس شکل گرفته است بدین صورت که ذات الهی در عوالم دنیوی انعکاس یافته و مفاهیم مکانی را با این اقالیم می توان بازشناخت. بر اساس آن، مکان در اسلام بر اصول خیریت و کمال، مطلقیت و عدم تناهی استوار است که باعث شده تا مکان دارای خصوصیتی چون مرکزیت، امتداد و تجلی الهی باشد.

لذا مکان، فضایی است که در آن اوصاف الهی متجلی شود. تجلی می تواند در یک مفهوم نیز متکثر بوده و از این رو مکان دارای کیفیات متفاوت شده و انسان را قادر می سازد تا هویت های مکانی را با حفظ ذات قدسی مکان به حسب شرایط انسانی درک کرده و بسازد. با این تعریف مکان محل تجلی الهی بوده و عالم صغیره ای است که با عالم کبیره و ماوراءالطبیعه در پیوند قرار می گیرد. تفاوت میان مفاهیم «ملک» و «ملکوت» و ریشه زبانی یکسان با توجه به اطلاق این کلمات به دو دنیای مادی و غیر مادی، جهت گیری اسلامی را درباره مفهوم مکان روشن می سازد. «ملک» به عالم طبیعت و «ملکوت» به عالم لطیف و نفسی دلالت داشته که هر دو از مراتب حضور بوده و مکان را در ساحت الهی و به مثابه محلی برای انعکاس خدا در عالم هستی می سنجد. در این چارچوب است که، شاخص هایی چون تسلیم، معناگرایی، مرکزیت و وحدت، سلسله مراتب، عدالت و مساوات، هندسه و تناسب مطرح می گردد (وثیق و همکاران، ۱۳۸۸).

از دیدگاهی دیگر، البته مرتبط با موارد برشمرده شده، در بینش اسلامی، حیات دارای دو ساحت ماده و معناست (جسم و روح/عالم طبیعت و عالم متافیزیک). انسان در این بینش دارای سه ساحت حیات جسمی (عالم ماده)، حیات روانی (عالم ذهن) و حیات روحانی (عالم روح) است. در این اندیشه برای فضای زیست بشر که در آن انسان به عنوان مهمترین بازیگر اجتماعی به ایفای نقش می پردازد، چنین ساحت هایی را نیز می توان متصور بود. بر این اساس، فضای زیست انسانی؛ شامل این ساحت هاست:

۱) فضای کالبدی: شامل محیط شکل گرفته و ساخته شده است؛

۲) فضای ذهنی: شامل شیوه تفکر، منش و مشی ساکنان است؛

۳) فضای روحانی با معنوی: شامل گرایش های متعالی و ارتباط دهنده ساکنان با عالم ملکوت است.

از این رو، در ترجمان فضای شهر، همواره سیر از ظاهر پدیده ها به باطن آن ها همراه است. چنین سیری، اصل حاکم بر خلق فضا در شهر اسلامی است. این ویژگی، نقطه تمایز فضا در مکتب اسلام با سایر مکاتب است و به قول «علامه طباطبایی» در پرتو این بینش، وحدت و همبستگی شگفت آوری را بین همه پدیده ها می توان دید. به عبارت دیگر، در آن، تنها به ویژگی های کالبدی شهر توجه نمی شود؛ بلکه بخش مهمی از طراحی و برنامه ریزی فضای شهری، با معنا و محتوا ارتباط پیدا می کند (امیرفخریان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۰).

در این راستا، اسلام با مفهوم غرب مبنی بر این که طرح ریزی بایستی در راستای پیشرفت کیفیت زندگی بسط داده شود، مخالف نمی باشد، اما مخالف چگونگی دستیابی به این اهداف است. با توجه به آیین اسلام، این هدف پشتیبان مقصد اصلی زندگی یعنی «ستایش و عبادت خالق یکتا» می باشد. یکی از این آیات قرآن که این هدف را توضیح می دهد، می گوید:

✓ نیافریدیم جن و انسان را مگر آن که پیوستند مرا (زاریات/۵۶).

«محمد. ایدروس» در زمینه اهداف اسلام برای طرح ریزی شهرها می نویسد که اسلام از طراحان مسلمان خواسته تا طراحی خود را به سوی آرمان های اسلامی و دستورات الهی سوق دهند و از آن ها به عنوان اصول راهنمای اصلی استفاده کنند (Idrus, 1985: 64). در مفهومی دیگر، قوانین عمومی طراحی اجتماعات مسلمین بایستی شرایط لازم اسلام را که در قرآن و سنت به آن ها اشاره شده، به عرصه ظهور برسانند. زمانی که این نیازمندی ها برآورده می شوند، جای وسیعی برای آزادی عمل در انتخاب نوع طراحی می ماند (اخوت و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۶).

در چارچوب این مفاهیم است که شهرسازی اسلامی به عنوان جریانی اثرگذار خود را نشان می دهد. در همین ارتباط، «ف. بنت لیس»، تأکید فراوانی بر ایدئولوژی شهرسازی اسلامی نموده و می نویسد: «اسلام به شکلی برجسته نمادی از دینی مدنی است که به راستی بر ساختار شهرسازی جهان تأثیر گذاشت و آن را متحول کرد» (اخوت و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۸).

به لحاظ تاریخی، دوران شکوفائی شهرنشینی و ایجاد شهر در دوره بعد از اسلام از قرن سوم هجری آغاز گردید و در این زمان است که شهرسازی به معنای اخص آن در شهرهای جدید به کار گرفته شد (نظریان، ۱۳۸۸: ۸۸).

در هر حال، شهرسازی اسلامی، مشتمل بر مبانی نظری تئوری‌های مربوط به اصول و ارزش‌هایی است که باید طراحی، برنامه‌ریزی در ایجاد محیط زندگی مسلمانان رعایت شوند و بر روابط انسان با محیط (طبیعی و مصنوع) و با سایر هم‌نوعان خویش (جامعه) حاکم باشند. این اصول و ارزش‌ها از تعالیم اسلامی استخراج خواهند شد و دربردارنده عوامل مهم فرهنگ ملی که با آن‌ها در تضاد و تناقض نباشند نیز هستند. باید گفت که منبع اصلی اصول حاکم بر کلیه اعمال مسلمانان و از جمله شهرسازی آن‌ها قرآن کریم و سنت پیامبر(ص) هستند. در این متون بر اساس یک سری زمینه‌ها و موضوعات کلی، عبارت از نقش انسان در زمین، ارتباط اجزا و عناصر جهان هستی، هدف غایی حیات انسان، ارتباط انسان با عالم وجود و جهان‌بینی او است؛ اما مهم‌تر این‌که این اصول باید با اصول حاکم بر عالم که توسط خداوند بنا نهاده شده‌اند هماهنگ یا تفسیری از آن‌ها باشند. علت این امر هم آن است که انسان خلیفه خداوند در زمین و امانت‌دار او است. به این ترتیب اعمال او رنگ و صبغه الهی به خود بگیرد (نقی زاده، ۱۳۹۲: ۲۶).

شهرسازی اسلامی با دریافت‌های ویژه اسلامی، نمی‌تواند تنها با مسجد و بازار یا شیوه‌ی هم‌آمیزی آن‌ها شناخته شود. اسلام پشتیبان و آوازه‌گر شهر و شهرنشینی است. تا آنجا که پژوهشگران غربی چون جوزف ارنست رنان و ویلیام مارسزا بیان کرده‌اند که اسلام از پایه، دینی شهری است (Abu-Lughod, 1987: 156).

بنابراین، محیط شهر اسلامی، نمود خارجی ساختمان‌ها و خیابان‌ها نیست. در واقع، این نمود مظهر اصول چارچوب اجتماعی اسلام می‌باشد. به همین دلیل است که ویژگی‌های مدنی و شرایط قریب به اتفاق شهرهای سنتی مسلمانان همسانی و شباهت فراوانی دارند (اخوت و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۰). در واقع، ایده‌های شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری شهرهای اسلامی فراکالبدی و فرازمانی است، لذا چهار ویژگی دادگستری، یگانگی با گوناگونی، پرمایگی با ناهمگونی و سازش‌پذیری با خردورزی را می‌توان از آموزه‌های اسلامی استخراج نمود (رضایی، ۱۳۹۲)، که برای شناخت بهتر شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری شهرهای اسلامی قابل طرح می‌باشد:

۱) دادگستری

گسترش فضاها در شهر اسلامی با آرمان هم تراز، برابری و دادگستری انجام شده است (رضایی، ۱۳۹۲: ۱۷۹).

۲) یگانگی با گوناگونی

جوراجوری و گوناگونی فضاها در شهر اسلامی، بیشتر همراه با یگانگی آنهاست. در زمینه ریخت این شهرها می توان دید که رشد بافت این شهرها به آهستگی و گام به گام بوده است، از پیش آینده نگری و درافکنده نشده و خودبخودی است. شهر به سان پاره هایی جدا از هم، ولی به همان سان یگانه و پیوسته است. گرچه جداسازی میان دارا و ندار کم رنگ است؛ همان گونه که جدایی میان ساختمان های دینی و جز آن چشمگیر نیست، اما به همان سان ناهمگونی دیده می شود (همان، ۱۸۰).

نقره کار اعتقاد دارد که عناصر محوربندی، کانون گرایی، رده بندی، استقلال، سیالیت فضایی، برتری درون گرایی بر بروم گرایی و گذر از پیمودن بیرونی شهر به پیمودن درونی معماری؛ در کل موجب حفظ یگانگی و یکپارچگی فضاها در شهری در مقابل گوناگونی مشهود شده است (نقره کار، ۱۳۸۷).

۳) پرمایگی با ناهمگونی

در کالبد شهر اسلامی گوناگونی فضایی، گاهی به اندازه ای است که ناهمگونی فضایی پدیدار می شود. این ناهمگونی پدید آورنده پختگی فضاها در شهری است. برای نمونه، کنار هم جای گیری و در هم تنیدگی بازار و مسجد در بافت شهر، نشان از آمیزش ویژگی های این و آن جهانی در فضای شهر است. دو ویژگی ناهمگون که به رسایی و پرمایگی هم کمک می کنند. پرداختن به فضای درون نسبت به بیرون در شهرهای اسلامی نیز، از این دید درخور نگرش است.

ناهمگونی میان درون و برون در رده بندی فضایی و راه های شهر نیز دیده می شود. گذر و ایست نیز ویژگی های ناهمگون و رسا کننده ی فضاها در شهر اسلامی هستند. جا گرفتن فضاها خالی و ساخته نشده در برابر فضاها پر و ساخته شده، مرکز برزن ها، جلوخان ها و چهارسوق ها ناهمگونی هایی در برابر راه های تنیده است که مایه پختگی فضایی آنها شده است. (رضایی، ۱۳۹۲: ۱۸۱).

در همین راستا، به اعتقاد «ابولقد» جدایی کاربری هایی چون مسکونی و تجاری در شهرهای اسلامی ناشی از جداسازی فضایی عملکردی زن از مرد بوده است؛ که در نهایت با پیدایش ناهمگونی بیشتر بر مایه شهر افزوده است (Abu-Lughod, 1987:169).

۴) سازش پذیری با خردورزی

فضاهای شهر اسلامی به سادگی با نیازهای مردم سازگار پذیر است. این سازگاری فضایی، پویایی را به همراه دارد (رضایی، ۱۳۹۲: ۱۸۳).

در کل می توان مهمترین ویژگی های شهرسازی اسلامی را موارد زیر خلاصه نمود:

- مورفولوژی شهر اسلامی بیشتر متأثر از عوامل طبیعی اولیه (توپوگرافی، اقلیم)
- عدم حضور عوامل مصنوعی مانند بافت شطرنجی
- عدم وجود قانون (به شکل اصول و ضوابط مدون و رسمی)
- بزرگ نمایی و اهمیت دادن به زیبایی شهری (به استثنای مسجد)
- توجه به امنیت شهر
- شکل شهر تاریخی - اسلامی علاوه بر عوامل موثر متقدم محلی، تحت تاثیر اصول و ضوابط خاص دینی قرار داشته است .

تمایزی که در غرب بین دو مفهوم امور مقدس و امور دنیوی وجود دارد، در سنت اسلام دیده نمی شود. لذا رعایت اصول و ضوابط روزمره شهری که حاصل ترکیب "الگوی نظم دینی" و "اصول و ضوابط حقوقی" بوده است، برای همه مومنان ضروری بوده و شهرهای آنها مستقیماً بر اساس ترکیب این اصول و عوامل موثر اولیه محلی شکل گرفته است.

به لحاظ کارکردی شهر اسلامی از نوعی برتری در مرکز شهر برخوردار بوده و با فاصله گرفتن از مرکز نوع کاربری ها، کارکردها و ارزش اراضی شهر کاهش می یافته است. نکته قابل توجه قرارگیری کاربری های سازگار در جوار هم و استفاده ترکیبی از کارکردهای مرتبط بوده است. در واقع، مرکزیت فضایی در شهرهای اسلامی تنها اهداف استراتژیک نظامی را دنبال نمی کند بلکه عمدتاً کیفیت دسترسی در آن مطرح

است که به ارتباط بین عملکردها برای دستیابی به جوهره و اصل معنوی و استعاره آن اشاره دارد (نقی زاده، ۱۳۸۹).

در مجموع بررسی ویژگی های شهر اسلامی نشان دهنده حاکمیت تفکر سیستمی بر طراحی، برنامه ریزی و مدیریت آن است. (نقی زاده، ۱۳۸۹).

برخی از مهمترین اصول و ضوابط اساسی در شناسایی شهرهای اسلامی در بحث شهرسازی عبارتند از :
الف: اصل ضرار: طراحی شهر بایستی به نحوی صورت گیرد که باعث ضرر و زیان هیچ یک از شهروندان نشود. در این دیدگاه، تصمیمات فردی و حقوق فردی نیز نباید موجب آسیب رساندن به دیگران شود.

ب: اصل محرمیت: بناها و شهرهای اسلامی بایستی طوری طراحی شوند که ضمن برخورداری از فضاهای آزاد، هوا و نور و ... پوشیدگی و حجاب زندگی فردی و خصوصی تضمین شود.

پ: اصل وحدت و یکپارچگی: یعنی ساخت و ساز شهر بایستی به صورتی باشد که رعایت وحدت در اولویت قرار گیرد. یعنی ساماندهی روابط سلسه مراتبی فرم و عملکرد به سمت قلب شهر و نیز وضعیت اکولوژیک ساختمان ها با تأکید بیشتر بر نیازهای ویژه خانواده ها مورد توجه است.

ت: اصل حرمت: یعنی اینکه بلند مرتبه سازی در شهرهای جهان اسلام نباید حریم خصوصی افراد را از بین ببرد. در این اصل، شخص باید بتواند بدون نظاره دیگران زندگی کند.

ث: اصل مالکیت خصوصی: در تأمین کاری ها و نیازهای اساسی شهر بایستی به مالکیت خصوصی افراد احترام گذاشته و در صورت تضییع شدن آن را جبران کرد.

ج: اصل همسایگی: بدین معنا که وقتی ملکی به فروش می رود اولویت خرید با همسایگان آن ملک هست.

چ: اصل حق دریافت روشنایی و هوای مورد نیاز: در این اصل، ایجاد ساختمان های مرتفع، که باعث عدم دریافت نور خورشید و هوای تازه در واحدهای مسکونی دیگر می شود، منع می گردد و توسعه عمودی مجتمع های ساختمانی زمانی پذیرفته می شود که این امر، از نظر دریافت نور و گرمای خورشید و هوای تازه برای ساکنان مجاور مشکلی ایجاد نکند.

کالبد شهر اسلامی به دور از قطب بندی هایی که تجلی کالبدی دارند متشکل از محلات و اجزایی متجانس و بهره مند از امکاناتی هماهنگ است. در این شهر تنوع مصرف گرایانه یا مد گرایانه به چشم نمی خورد بلکه تنوع موجود در این شهر از تنوع فرم ها و فضا نشأت می گیرد.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع بنیادی- اکتشافی است که در انجام آن از روشی توصیفی- تحلیلی ژرفانگر مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای و اسنادی است.

یافته های تحقیق و بحث

شهرهای اسلامی، به لحاظ شهرسازی و برنامه ریزی شهری شناسه هایی داشته و یا می باید داشته باشند تا کالبد و فضا و محیط حاصل، رنگ و بو و هویتی اسلامی بیابند، عبارتند از:

▪ اصلاح زمین

یکی از وظایفی که برای انسان تعیین شده است، اصلاح در زمین می باشد.

✓ ... اعدوا الله مالکم من اله غیره خو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها... (هود/۶۱): (خدای یگانه را که جز او خدایی نیست پرستش کنید که شما را از خاک بیافرید و برای عمارت و آباد ساختن زمین برگماشت...).

بنابراین ایجاد و توسعه شهرها همواره بایستی صبغه ای از اصلاح و آبادی داشته و از فساد و تباهی بری باشد. هدایت و اشیا و مفاهیم و در نهایت هدایت انسان به سمت تکامل یکی از وجوه این اصلاح می باشد. شهر و فضایی که در تکامل و تعالی انسان خلل ایجاد نماید و به عبارت دیگر به صالحتر شدن او کمک نکند نمی تواند به عنوان شهر و فضای اسلامی تلقی شود.

▪ بسترسازی افزایش کاربرد قوانین و اصول اسلام در شهرها

افزایش کاربرد قوانین و اصول اسلامی، تکلیف مسلمانان در حفظ ایمان و شریعت می باشد؛ که در قرآن بر آن تأکید بسیار گردیده است. این وظیفه بایستی از طریق حفظ محیط مدنی صورت گیرد به نحوی که مسلمانان ساکن شهر را در انجام تکالیف دینی - مذهبی خویش به نحو احسن یاری رساند.

برای بالا بردن موارد استعمال شریعت به دوری نمودن از آن چه خداوند و رسولش تحریم کرده اند و هر گونه اشتباهی در محیط انسان ساز، در ضمن طراحی و قواعد شهری می بایستی با منبع پایداری همچون قرآن پیوند داده شوند. بر این اساس است که قرآن پاسخ تمامی پرسش های زندگی مسلمانان را در خود دارد.

مراجعه به قرآن و سنت در طراحی و تنظیم شرایط محیط مسلمانان در بسیاری از شهرهای سنتی اسلامی کاملاً مشهود است. «أ.ل.لولین» در تحلیل های خود از مقاصد قوانین اسلامی در طراحی شهرهایی مانند «مدینه» و «تونس»، بر توسعه و پیوند اصول شریعت مربوط و متناسب با محیط فیزیکی اشاره دارد. این شهرها محصول فقه بودند؛ زیرا مکانیسم تفسیر و کاربرد شریعت در فرآیند توسعه این شهرها اعمال گردید. منابع نخستین فقه (قرآن و سنت) برای انتقال ارزش های اسلامی یا شریعت به داخل معیارهای شهرسازی و برنامه ریزی شهری بسیار حیاتی بود (اخوت و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۹).

در این ارتباط، مسئولیت صیانت از باورهای اسلامی و تقویت کاربردی شریعت، با اولیاء امور مسلمانان می باشد. قرآن کریم این مسئولیت اولیاء را در آیه ۷۲ سوره انفال، این گونه بیان می دارد:

✓ **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا أَوْلِيَاكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَ لَائِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَ إِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (انفال/۷۲):** همانا کسانی که ایمان آوردند و (به مدینه) هجرت نمودند و در راه خدا با اموال و جان های خود جهاد کردند، و کسانی (از اهل مدینه) که (مهاجران را) جا و پناه دادند و یاری نمودند، آنها هستند که اولیاء یکدیگرند (پیوند دوستی، یاری و ارثی دارند) و کسانی که ایمان آوردند و هجرت نکردند شما هیچ گونه پیوندی با آنان ندارید تا مهاجرت نمایند، و اگر درباره

امور دینی از شما یاری طلبند بر شما است که یاری نمایید مگر آنکه به ضرر گروهی باشد که میان شما و آنان پیمان (ترک مخاصمه) برقرار است، و خداوند به آنچه می کنید بیناست. این مسئولیت بایستی از طریق حمایت از محیط شهری به گونه ای انجام شود که مسلمانان را در اجرای هر چه بهتر تکالیف مذهبی خود یاری نماید. تقویت کاربردی شریعت در محیط اجتماعی مسلمانان، بایستی از طریق امر به معروف و نهی از منکر که خداوند در کتب مقدس و از طریق پیامبران در اختیار همگان قرار داده است، حاصل آید. به منظور تقویت کاربردی شریعت در زمینه «ساخت محیط»، از طریق اجتناب از آن چه خداوند و پیامبرش منع نموده اند و انجام آن چه بدان دعوت کرده اند، لازم است برنامه ریزی و ساماندهی اجتماعی، پیوندی همیشگی با قرآن داشته باشد. این امر بر این مبنا استوار می باشد که قرآن جوابگوی تمامی مسائل مربوط به زندگی مسلمانان است (هشام، ۱۳۸۷: ۹۴).

■ هویت

هویت اصطلاحاً مجموعه ای از علائم، آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه، اهلیتی از اهلیت دیگر و یا فرهنگی از فرهنگ دیگر می شود که محتوا و مظهر این ظرف به مقتضای هر جامعه و ملت متفاوت و بیانگر نوعی وحدت، اتحاد، هم شکلی، تداوم، استمرار، یکپارچگی و عدم تفرقه است. مؤلفه های سازنده شهری را در یک تقسیم بندی کلی شامل ابعاد عینی (کالبدی) و روحی (ذهنی) دانست، که در سه محیط طبیعی، مصنوع و انسانی نمود می یابند که دارای ابعاد تاریخت، مکانیت، جمعی بودن، تعلق به دوره های خاص از تاریخ، متن روابط اجتماعی، عام و خاص بودن، احساس تعلق فردی، خانوادگی، گروهی، قبیله ای، مکانی (ملی، شهری، روستایی، محلی) وابسته به رویدادهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و دگرگونی های جامعه حقوقی و وظایف شهروندی می باشد؛ این هویت شهری از سویی مفهومی انتزاعی، سهل و ممتنع و از سویی دیگر، در حال شدن دائمی است.

در این چارچوب، از نظر یک شهرساز اسلامی، فضای شهری تنها یک قالب صرف نیست که آن را با مصالحی ساخت و انسان را در آن جا داد. چون دیدگاه او برگرفته از مکتبی است که جسم ظاهری انسان را مرکبی برای روح بزرگ او خلق کرده اند و اگر آن روح نباشد این فقط یک جسم بی رمق است. بر اساس این دیدگاه، در فضاهای شهری دو عنصر مادی و معنوی وجود دارد که یکی همین مصالح ظاهر است و دیگری هویت این فضا است که بسیار مهم تر از فضا است که دقیقاً همانند پیکر انسان است و اگر روح نداشته باشد، مرده است؛ بنابراین اگر این فضاها هویت نداشته باشند قطعاً فضایی مرده است (اخوت و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۵).

▪ شهرسازی و برنامه ریزی شهری مشارکتی

آیاتی، نظیر آیات زیر، زمینه ساز مشارکت همگانی در شهرسازی و برنامه ریزی شهری شهرهای اسلامی، زمینه ساز مشارکت همگانی شد:

✓ **فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شاورهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران/ ۱۵۹):** پس به برکت رحمتی از جانب خداوند با آنها (امت خود) نرمخو شدی، و اگر بد خلق و سختدل بودی حتما از دورت پراکنده می شدند. پس ، از آنها درگذر و برایشان آمرزش طلب و در کارها با آنان مشورت نما ، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن ، که بی تردید خداوند توکل کنندگان را دوست دارد.

✓ **وَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (شوری/ ۳۸):** و کسانی که پروردگارشان را (در دعوت به ایمان و عمل) اجابت کرده اند ، و نماز را برپا داشته اند و کارشان در میان خودشان به مشاوره برگزار می گردد ، و از آنچه به آنها روزی کرده ایم انفاق می کنند.

■ حفاظت از محیط زیست طبیعی

اسلام برای انسان ها مسئولیت هایی را در قبال محیط طبیعی از جمله در ارتباط با مسائل شهرسازی تعیین نموده که حاکی از نقش انسان به عنوان خلیفه خداوند در زمین می باشد. در این رابطه قرآن می فرماید:

✓ او کسی است که شما را در زمین وارث قرار داده. اگر آن ها رد کنند (خدا را)، نپذیرفتن (عملکرد) آن

ها بر خودشان خواهد بود (فاطر/۳۹)

در پژوهش های انجام شده بر اساس اصول اسلامی در خصوص حفاظت از محیط زیست طبیعی، «ابوبکر بکادر» این آیه قرآنی را بدین سان تفسیر کرده است، که انسان تنها، مدیر زمین می باشد نه مالک، بهره ور و وضع کننده آن. وی همچنین می گوید: «خداوند تمامی منابع حیات و طبیعت را آفریده است، بنابراین انسان ممکن است تنها این امور را تشخیص دهد: (الف) تفکر و عبادت، (ب) سکونت و ساخت و ساز، (ج) بهره برداری و (د) لذت و قدردانی از زیبایی. در همین راستا، مسئولیت انسان در مقابل محیط زیست عبارتند از:

(۱) بهره برداری از منابع طبیعی

(۲) حفظ تعادل طبیعی

هر چند اسلام خواستار بهره برداری مردم از محیط طبیعی برای رفع نیازهای زندگی است اما آنها را ملزم به حفظ آن نیز می نماید.

در همین راستا، توجه به نکات زیر در درک ارتباط شناسه محیط زیست طبیعی و شهرسازی و برنامه ریزی شهرهای اسلامی ضروری است (احمدی دیسفانی و علی آبادی، ۱۳۹۰: ۲۶-۲۵):

طبیعت در تعریف سنتی با دیگر تعاریف متفاوت است از این رو نوع برخورد با آن متفاوت است. طبیعت در دیدگاه سنتی، هوشمند است و نسبت به تغییرات واکنش مناسب نشان می دهد. طبیعت چندوجهی و لایه لایه است و در عین حال به هم پیوسته است. معماری و شهرسازی متناسب با این مدل قاعداً چندلایه و در عین حال به هم پیوسته است و نسبت به تغییرات پیرامون واکنش مناسب نشان می دهد. نمود آن گاهی هماهنگی شکلی شهر با شکل طبیعت است و گاهی هماهنگی روح شهر سنتی با روح طبیعت است. در این میان لایه های متفاوتی وجود دارد که می تواند در شهر سنتی نمود داشته باشد. یکی از مؤلفه های حاکم بر طبیعت وحدت در تمام شئون آن است که اگر در شهر سنتی نمودار شود می توان گفت که شهر طبیعی یا سنتی است.

انسان در این دیدگاه نسبت به طبیعت مسئول است. از این رو بهره‌برداری از طبیعت در شهر سنتی اسلامی به اندازه و به جا است و هر فعالیتی در طبیعت باید فایده‌ای به حال مردم داشته باشد؛ بنابراین یکی از اصول حاکم بر شهر سنتی - اسلامی اصالت فایده بر فعالیت‌ها و دخل در طبیعت است. فایده در یک نظم شبکه‌ای دوسویه است؛ یعنی اگر انسان از طبیعت سود می‌برد، طبیعت نیز از این فعالیت باید سود ببرد اگر وظیفه انسان در روی زمین استعمار آن است چنین می‌توان پی برد که استعمار فایده چند سویه انسان و طبیعت را دربر دارد. اگر موجودات طبیعت به اندازه نیاز واقعی خود از طبیعت بهره‌برداری نمایند کمبودی در طبیعت به وجود نمی‌آید. شاید معنی پایداری را بتوان از این منظر جستجو کرد.

اگر طبیعت، انسان و معماری را در نظر بگیریم که دارای روح، نفس و جسم است تطابق و تناظری بین این سه وجود دارد و نظم واحدی بر همه آن‌ها حاکم است؛ بنابراین پایه شهر و معماری فقط کالبد و جسم نیست و پرداختن به شهر بدون در نظر گرفتن روح و نفس، معماری نظر و شهرسازی، مطابق با نظم طبیعت نخواهد بود. طبیعت بر طبق نظر ابن عربی حدی بین جسم و روح است (این محدوده را می‌توان نفس طبیعت نامید) این حدفاصل را خیال می‌نامد چون نه جسم است و نه روح و هم جسم است هم برزخ. از این رو نام دیگر آن برزخ است. بنابراین می‌توان گفت؛ معماری مطابق با این نظم نیز دارای چنین مراتبی است. نفس انسان نیز با این دیدگاه، خیال است. نفس طبیعت هم خیال است. از این رو انسان، طبیعت و شهر و معماری بین موجوداتی خیالی یا بینابینی یا برزخی هستند که در دیدگاه سنتی بین ساختار و نظم آن‌ها تطابق وجود دارد. از آنجایی که طبیعت، انسان و معماری در یک سامانه شبکه‌ای تصور شد، از این رو تأثیر هر بخشی بر دیگر بخش‌ها نیز قابل تأمل است. ظهور این موضوع در شکل شهر، پیدایش فضاهای بینابینی و خیالی در تمام شهر، از کل تا اجزاء است که به شکل سلسله‌مراتب درون و به بیرون، سلسله‌مراتب نور و تاریکی، سلسله‌مراتب خصوصی و عمومی، سلسله‌مراتب خلوت و شلوغ و غیره ظاهر می‌شود.

■ عبرت

عبرت‌گیری از آثار و اعمال پیشینیان و دیگر تمدن‌ها و هر آنچه که در اطراف انسان وجود دارد، یکی از موضوعات مورد توجه تعلیمات قرآنی بوده و مسلمین و همه انسانها به آن توصیه شده‌اند:

✓ اولم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبه الذین من قبلهم کانوا اشد منهم قوه و اثاروا الارض و عمروها اکثر مما عمروها... (روم/۹): (آیا در زمین سیر نکردند تا عاقبت کار پیشینان را که از اینها بسیار تواناتر بودند و پیش از اینها در زمین کشتزار و کاخ و عمارت برافراشتند، مشاهده کنند...).

یکی از مناسبترین و بهترین و کارآترین مکان ها که می توانند آثار گذشتگان و عواقب اعمال و مشی زندگی آنها را به نمایش بگذارد، محیط زندگی و شهرهاست. این عبرت دادن و عبرت گیری نیازی به محصور شدن پدیده ها در مورد موزه ها ندارد و بایستی در متن زندگی مردم جاری و ساری بوده و به عنوان یک عنصر متذکر عمل می توان به منصفه ظهور رساند. توجه به تداوم تاریخی خویش احساس ننماید. علاوه بر تقویت احساس تعلق به وطن باشد. جملگی این عوامل در حفظ شهروندان در مقابل بروز و رشد از خودبیگانگی و احساس غربت، مشکلاتی که انسان معاصر را به شدت تهدید می کند، نقشی ارزنده ایفا می نماید. نکته مهم در عبرت گیری این نیست که «کالبد» و «جسد» گذشته حفظ و تکرار شود، بلکه مراد اصلی این است که اصول و مبانی حسنه و هماهنگ با حیات معقول انسانی شناخته و تقویت شوند و بالعکس مبانی و جلوه های ناهماهنگ با انسان و نیازهای روز او نیز شناسایی و حذف شوند.

▪ اجتناب از لغو و بطالت

انجام هر عمل و همچنین ایجاد هر شیء لغو و باطل و بیهوده جنبه ای از فساد در زمین و اسراف است و این صفتی است که طبق تعالیم قرآنی مسلمین بایستی از آن اجتناب ورزند.

✓ قد اقلح المومنون الذین هم فی صلوتهم خاشعون و الذین هم عن اللغو معرضون (مومنون/۳-۱): (همانا اهل ایمان به فیروزی و رستگاری رسیدند. آنانکه در خاضع و خاشع هستند. و آنان که از لغو و سخن باطل اعراض می کنند).

بنابراین، یکی از اصولی که باید مورد توجه طراحان و برنامه ریزان شهری قرار گیرد اجتناب از لغو و بطالت و بیهودگی است. هر فضا و عنصری که در شهر ایجاد می شود بایستی به گونه ای هدفمند در

خدمت انسان و رشد و تعالی او باشد و نه تنها بر ضد اینها عمل نکند که حتی حالتی خنثی نیز به خود نداشته باشد تا صبغه‌ای از اسراف به خود نگیرد.

▪ اجتناب از تفاخر و تفرعن

استکبار و فخر فروشی اولین گناهی که پس از خلقت آدم(ع) و توسط شیطان به وقوع پیوست، از صفاتی است که مسلمین از آنان به شدت نهی شده‌اند:

✓ ...ابی و استکبر و کان من الکافرین(بقره/۳۴): (...شیطان سرپیچی کرد و از کافران گردید).

علاوه بر این آیات دیگری نیز بر مذمت این صفت زشت دلالت دارند، از جمله:

✓ ان الله لا يحب من كان مختالاً فخوراً (خدا مردم خودپسند متکبر را دوست ندارد).

از این آیات می‌توان چنین استنباط نمود که ترک این صفات مذموم نه تنها در گفتار و اندیشه که در اعمال انسانی نیز بایستی مدنظر مسلمین قرار گیرد. شهر و محل زندگی انسان می‌توانند، به عنوان یکی از مهمترین تجلی گاه‌های این صفات باشند. خانه یا عمارت یا محله‌ای از شهر که به فرد یا گروهی خاص اختصاص دارد، نبایستی بدان گونه طراحی و ساخته شوند که نشانی از تفخر و تفرعن ساکنین را به ذهن ناظر متبادر سازند و این همان پدیده‌ای است که تفکر فردگرایانه حاکم بر معماری و شهرسازی جدید به شدت مروج و مبلغ آن است.

▪ اجتناب از فساد

آیاتی از قرآن انسان را از فساد در زمین نهی فرموده و آن را زشت و ناپسند معرفی می‌نمایند، از جمله:

✓ و لا تفسدول فی الارض بعد اصلاحها... (اعراف/۵۶): (هرگز در زمین پس از آن که کار آن به امر

حقوق، نظم و صلاح یافت؛ بیه فساد و تبهکاری برنخیزد...).

قرآن کریم زمین را به صفاتی که در پی می‌آید، متصف ساخته است:

(۱) کان و وسیله زندگی: و لقد مکناکم فی الارض و جعلنا لکم فیها معایش... (اعراف/۱۰): (و همانا ما شما

را در زمین تمکین و اقتدار بخشیدیم و در آن بر شما معاش و روزی از هر گونه نعمت مقرر کردیم...).

۲) محل اقامت و سکونت: ... ولکم فی الارض مستقر و متاع الی حین (بقره/۳۶): (و برای شما در زمین تا روز مرگ آرامگاه و آسایش خواهد بود).

۳) وسیله استراحت: الم نجعل الارض مهادا (نبا/۶): (آیا زمین را مهد آسایش خلق نگردانیم).

۴) آسایشگاه عمومی: الذی جفل لکم الارض فراشا... (بقره/۲۲): آن خدایی که برای شما زمین را گسترده.

۵) نعمت الهی: والارض فرشناها فنعم الماهدون (ذاریات/۴۷): (و زمین را بگسترده و چه نیکو بگسترده).

بنابراین اگر مکانی بخواهد واجد این ویژگیها گردد، بایستی عاری از هرگونه فساد باشد و بدیهی است که شهر به عنوان مکان زندگی انسان به طریق اولی باید محل فساد باشد و بدیهی است که شهر به عنوان مکان زندگی انسان به طریق اولی باید محل اصلاح و نعمات الهی و نهایتاً در سیر کمال انسان و به دور از هرگونه فساد یا نمودی از فساد و تباهی در زمین باشد.

اجتناب از فساد در شهرسازی را می توان در بسیاری زمینه ها و از جمله مقولات زیر جستجو نمود: اجتناب از هر آنچه که به گمراهی انسان بیانجامد و نیز هر آنچه که به تباهی روحی و جسمی انسان کمک کند؛ نظیر انواع آلودگی ها که ممکن است شهرها مولد آن باشند. این آلودگیها اعم از آلودگی هایی که به مادیت (کالبد) و معنویت (روح) انسان و محیط و طبیعت لطمه وارد کنند و همچنین اعمالی که به اسراف و لغو و بطلت منتهی شده و ضد اصلاح باشند.

▪ اجتناب از اسراف

اسراف یکی از صفات مذمومی است که در همه اعمال انسان می تواند بروز نماید و تعلیمات اسلامی، مسلمین را به شدت از آن نهی فرموده است تا جایی که صریحاً می فرماید:

✓ و لا تسرفوا انه لا یحب المرفین (انعام/۴۱): (و اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست نمی

دارد)

نیز می فرماید:

✓ ... وان المرفین هم اصحاب النار (مؤمن/۴۳): (... و البته مسرفین در آنجا همه اهل آتش دوزخند).

✓ ... و لا تطيعوا امر المسرفين، الذين يفسدون في الارض و لا يصلحون (شعراء/۱۵۲-۱۵۱): (و از رفتار رؤسای مسرف و ستمگر پیروی نکنید، که آن مردم در زمین همه‌گونه فساد میکنند و هیچ‌گونه اصلاح نمی‌پردازند).

ملاحظه می‌شود که اسراف علاوه بر همه معایبی که دارد، صریحاً فساد در زمین و ضد اصلاح زمین معرفی شده است. این صفت مذموم همچنین زمینه‌ساز و نیز نتیجه برتری‌جویی و استکبار و تفرعن است؛ چنانچه در مورد فرعون آمده است:

✓ ... و ان فرعون لعال في الارض و انه لمن المسرفين (یونس/۸۳): (و فرعون در زمین بسیار علو و سرکشی داشت و او از مسرفین بود).

تجلی اسراف در شهرسازی و معماری را در این امور می‌توان مشاهده کرد: ایجاد ابنیه و فضاها و عناصر بی استفاده و یا کم استفاده؛ بنا کردن ابنیه چشم پر کن بالاخص در مورد ابنیه با عملکرد مادی؛ بنا کردن ابنیه‌ای برای تفاخر و علو در برابر بندگان خدا و بسیاری موارد دیگری که شهرهای جهان معاصر شاهد آنها هستند.

▪ نظم

نظم از موضوعات اساسی مورد توجه جملگی ملل درسامان دادن به امور جامعه و از جمله ایجاد محیط زندگیشان می‌باشد. لذاست که مهمترین عاملی که می‌تواند وجه تمایز نظم در جوامع مختلف را روشن نماید عبارت از تبیین ویژگیهای آن می‌باشد. فی‌المثل، نگاهی ظاهربینانه به نظم سبب می‌شود تا بسیاری افراد، شهرها مسلمین را علیرغم آن که آنها دارای بافتی اندامواره دارند، شهرهایی بی نظم معرفی کنند. این اظهار نظر دقیقاً ناشی از عدم آگاهی آنان به شهر و اصول حاکم برنظمی است که شهر بر پایه آن استوار شده است. آیا ارگانیک بودن، درحالی که «اندام» یکی از پیچیده ترین نظم‌ها را به خود اختصاص داده است نشانه بی نظمی است؟ و این مانند آن است که کسی با نگاهی به آسمان و مشاهده ستارگان، استقرار آنها را تابع نظمی نشمارد و جای‌گیری هر کدام در مکان خویش را اتفاقی بپندارد.

این در حالی است که، نظم یکی از مقولاتی است که در آموزه‌های دین مبین اسلام در مواضع متعددی به آن توصیه شده است. ارتباط نظم شهری با عامل طبیعی بیشتر حیطه‌ی سخت‌افزاری و معماری شهرها را

شامل می‌رود. بدین معنا که برای تأسیس و تداوم شهرها دستورالعمل ویژه‌ای وجود دارد: جهت‌یابی دقیق، محاسبه و نقشه‌برداری صحیح و همچنین برخورد فیزیکی آب‌وخاک، مهم‌ترین شاخص فضاها و وسیع شهرهای اسلامی است (بمات، ۱۳۶۹: ۱۱۷).

در شهر اسلامی، فضا با پیچ‌وخم‌های محافظ شهر به شکل فرم‌های مدور حلزونی ۲ است که با نقشه‌ی گسترده‌ی شهر اروپایی در تضاد است. تصویری که در اینجا به ذهن می‌رسد تصویر حلزونی است که با سطح خارجی خود محافظت می‌شود؛ سطحی صاف و محکم که موجود زنده را در پناه می‌گیرد، راه‌های ارتباطی که گاهی مخفی هستند و در روی زمین یا در روی پشت‌بام‌ها قرار دارند، از تمام شهر، خانه واحدی می‌سازند (بمات، ۱۳۶۹: ۸۸).

▪ استحکام و ثبات

در آیات ۸ الی ۱۱ سوره «نبأ» اشاره به مواهب درونی و وجودی انسان و آیا شده است. در آیه ۱۲ به بعد سوره مجدداً به مواهب و آیات آفاقی اشاره شده است:

✓ که ما بالای سر شما هفت آسمان محکم بنا کردیم.

که بیانگر خلقت محکم و ساختمان عظیم و قوی مجموعه منظومه‌ها و کهکشان‌ها و عوالم متعدد جهان هستی است.

خدای تبارک و تعالی در آیه ۴۰ از سوره مبارکه عنکبوت می‌فرماید:

✓ مثل حال آنان که غیر خدا را به دوستی برگرفتند حکایت خانه‌ای است که عنکبوت بنیاد کند و

اگر بدانید سست‌ترین بنا خانه عنکبوت است (عنکبوت/ ۴۰).

در این آیه، خدای تبارک تعالی برای کسانی که دوستانی غیر از خدا می‌گیرند و برای این که سستی این دوستی را بیان کند؛ آن را به خانه عنکبوت تشبیه می‌کند. به نظر می‌رسد که این آیه می‌تواند اساس ساخت و ساز در شهرهای اسلامی نیز باشد و با استناد به همین آیه چهارچوب ساخت و ساز را در مجموعه شهر و شهرسازی بنا نهاد. زیبایی این آیه در این است که کلمه «اوهن» فقط یکبار در قرآن به کار رفته و این یک کلمه در ارتباط با خانه سازی بوده است (اخوت و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۷).

■ زیبایی

زیبایی از آن مفاهیمی است که همه مکاتب فکری به آن توجه جدی مبذول داشته و جملگی در پی ارائه تعریفی از آن بوده و همچنین مدعی شناختن مختصات آن می‌باشند.

سرچشمه معارف اسلامی زیبایی زندگی انسان‌ها است. مرحوم محمد تقی جعفری در کتاب «زیبایی هنر» از دیدگاه اسلام می‌فرماید: «در دنیای ما موضوع زیبایی که خداوند متعال در دیدگاه ما قرار داده است موضوع اصیل است، نه این که بشر آن را به طور غیر واقعی از جانب خودش طرح کرده باشد. به این معنا، تشخیص زیبایی و رفتن به دنبال زیبایی ریشه در روح ما دارد. شاید یک علت بسیار مهم برای خلق زیبایی‌هایی که خداوند در طبیعت آفریده یا در درون ما به ودیعت نهاده است این باشد که اصلاً روح در این دنیا بدون زیبایی نمی‌تواند آرام بگیرد و دوام بیاورد (جعفری، ۱۳۷۸: ۹۸).

لذا، با استناد به حدیث معروف: «ان الله جمیل و یحب الجمال»، مسلمین نیز، همواره در فرایند خلق آثارشان سعی در زیباآفرینی داشته‌اند.

نکته مهم در این است که اولاً جنبه‌های مختلف زیبایی (معنوی و مادی) مورد توجه قرار گیرند، ثانیاً سایر موضوعات و مفاهیم مانند ارزش، لذت، تعجب، شگفتی، و عالی بودن، با زیبایی و یا سایر واژه‌های مشابه مانند قشنگ، خوشگل و امثالهم مورد توجه قرار گیرند. دیگر این که، باید توجه نمود تا زیبایی یا زینت شیطانی، جایگزین زیبایی الهی و معنوی نگردد؛ زیرا احتمال اینکه انسان در این وادی قرار گیرد، وجود دارد.

شیطان خود می‌گوید:

✓ «قال رب بما اغویتني لازینن لهم فی الرض و لاغوینهم اجمعین. الا عبادک منهم المخلیصین (حجر/ ۴۰ و ۳۹): (شیطان گفت: خدایا چنانچه مرا گمراه کردی من نیز در زمین (همه چیز را) در نظر فرزندان آدم جلوه (زینت) می‌دهم و همه آنها را گمراه خواهم کرد. به جز بندگان پاک و خالص تو را)

پس انسان بایستی همواره مترصد باشد تا زیبایی حقیقی و معنوی و روحانی را از زینت و زیبایی شیطانی بازشناسد تا گمراه نشود. آیات متعددی از قرآن مجید زیباییها را به خدا نسبت می‌دهد. از آن جمله می‌فرماید:

✓ «قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده و الطيبات من الرزق قل هي للذين امنوا في الحيوه الدنيا خالصه يوم القيامة(اعراف/۳۱): (بگو چه کسی زینت الهی و روزی‌های پاکیزه را که برای بندگانش برآورده، حرام کرده است؟ بگو آن در زندگانی دنیا برای مؤمنان است و نیز خالص آن در روز رستاخیز).

علامه طباطبایی در تعریف زینت می‌فرماید: زینت هر چیز زیبا و دوست‌داشتنی است که ضمیمه چیز دیگری شده، به آن حرکت می‌کند و در نتیجه از فواید آن چیز هم منتفع می‌شود.

■ امنیت

واژه امن در تعالیم قرآنی در برابر خوف (نساء /۳۶) و از نتایج شرک ورزیدن (انعام/۸۱) و آلودن ایمان به ظلم بکار رفته است.

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر آیه ۵۵ سوره نور می‌فرماید: «این آیه به مؤمنین وعده می‌دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کنند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دینشان را در زمین متمکن می‌سازد و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می‌کند.

✓ و هذا البلد الامین (تین/۸): (وقسم به این شهر امن و امان (مکه معظمه).

به این ترتیب مشخص می‌شود که امنیت یکی از مختصات معنوی مهم جامعه اسلامی است و آن را در زمینه‌های مختلف می‌توان مورد مطالعه قرار داده و راههای فراهم آوردن هر کدام را برای شهروندان شناسایی و آنها را در شهر اسلامی به منصف ظهور رساند. اهمیت امنیت و ایمنی در جامعه مسلمین به حدی است که اولین وظیفه مسلمین در تماس با یکدیگر القاء این مطلب به طرف مقابل است و در این راستا ابتدایی‌ترین راه القاء امنیت، اسلام است).

اهمیت امنیت برای شهر و شهروندان به حدی است که خداوند تبارک و تعالی به هنگام قسم یاد کردن به شهر (مکه) آن را به صفت امین یسار می‌فرماید.

امنیت در جامعه و شهر اسلامی مشتمل بر ابعاد متفاوتی است که از اهم آنها عبارتند از: امنیت اجتماعی، امنیت در مقابل هجوم بیگانه، امنیت در مقابل بلایای طبیعی، امنیت در مقابل عوارض فعالیت‌های انسان (انواع آلودگی‌های محیطی صوتی و بصری)، امنیت در مقابل وساوس شیطانی و مصرف‌گرایی و

رقابتهای مادی، امنیت روانی در مقابل ساخته‌های انسان و امنیت ضعفا در برابر اقویا (فی المثل امنیت پیاده در مقابل سواره).

■ تسبیح

آیاتی از قرآن کریم بر این نکته تاکید می فرمایند که هر آنچه که در آسمانها و زمین است، به تسبیح خداوند تبارک و متعالی مشغول است؛ لذا، با عنایت به معنای ذکر، یادآوری، عناصر و فضاهای شهری بایستی به عنوان عناصر تذکردهنده عمل نمایند. به این معنا که هر شهر و هر جزئی از آن بایستی انسان را به اصول و ارزشهای فرهنگی و اسلامی متذکر گردد و آنها را در ذهن اهل خویش و هر ناظری یاد آور باشد. برخی از آیات کتاب الهی که به اهمیت ذکر و تسبیح اشارت دارند، عبارتند از:

✓ یسبح له السموات السبع و الارض و من فیهن و ان من شی الا یسبح بحمده و لکن لا تفقهون تسبیحهم انه کان حلیماً غفوراً (اسراء/۴۴): هفت آسمان و زمین و هر چه در آنهاست همه به ستایش و تنزیه خدا مشغولند و موجودی نیست، جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست و لیکن شما تسبیح او را فهم نمی کنید. همانا او بسیار بردبار و آمرزنده است).

✓ الم تر ان الله یسبح له من فی السموات و الرض و الطیر صافات کل قد علم صلاته و تسبیحه (نور/۴۱): (آیا ندیدی که هر کس در آسمانها و زمین است، تا مرغ که در هوا پرگشاید، همه به تسبیح خدا مشغولند و همه آنان صلات و تسبیح خود بدانند).

✓ هو الله الخالق الباری المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم (حشر/۲۴): (اوست خدای آفریننده عالم امکان و پدیدآورنده جهان و جهانیان، نگارنده صورت خلقان. او رانامهای نیکوتر بسیار است و آنچه در آسمانها و زمین است، همه به تسبیح و ستایش (اوصاف) جمال و جلالش مشغولند و اوست یکتا خدای مقتدر حکیم).

لذاست که می توان گفت: یکی از مهمترین وظایف انسان در ایجاد محیط زندگی خویش آن است که عناصر و فضاهای شهری و هر شیء انسان ساخته‌ای این تسبیح را به اهل شهر و به هر ناظر و تازه واردی القا نماید. به بیان دیگر شهر باید بتواند تجلیگاه و نمایشگر تسبیح الهی توسط همه اجزاء متشکله اش باشد.

عناصر و مفاهیم موجود در شهر که تذکر دهنده انسان به اصول و ارزشها باشند، به طور اجمال متشکل از دو گروه طبیعی (آیات الهی) و انسان ساخته (سمبل ها و نشانه ها) می باشند. سمبل ها و نشانه ها مشتمل بر فرمها و اشکال و آن دسته از عناصر شهری و اجزاء معماری می باشند که در طول تاریخ برای اکثریت آحاد جامعه معنا و مفهوم خصوصاً معنوی و روحانی خاص خود را دارند؛ مثل سیمای یک عنصر شهری همچون مسجد یا حسینیه، همجواری برخی عناصر شهری در یک مجموعه مثل مسجد و بازار و مدرسه و ... یا اشکالی چون گنبد و قوس، یا طرح هایی چون طرح های اسلیمی و یا حتی رنگ ها و بی رنگی هایی در شهر که می توانند ارزش هایی را برای مردم یادآوری نمایند.

به طور اجمال می توان گفت که آن چه از آیات قرآن کریم برمی آید، این است که انسان برای زندگی مادی این دنیا خلق نشده است:

✓ اعلما انما الحیوة الدنیا لعب و لهو و زینة و تفاخر بینکم و... (حدید/۲۰): (بدانید که زندگانی دنیا به حقیقت بازیچه ای است طفلانه و لهو و عیاشی و آرایش و تفاخر و خود ستایی با یکدیگر...)

و بایستی دقیقاً بدانند که زندگی واقعی او زندگی اخروی است و این دنیا محلی است برای کسب کمالات و سازندگی روح و جان آدمی، و فریب این زندگی را نخورده است و از امکانات و مواهب نه به عنوان هدف بلکه به عنوان وسیله ای برای دستیابی به حیات انسانی خویش بنگرد، لذاست که یادآوری این موضوع می تواند یکا از مهمترین موارد تذکر باشد.

▪ توجه به اقتضاعات اقلیمی و جغرافیایی

دین اسلام در برابر اقتضای اقلیمی و جغرافیایی، تابع منطق طبیعت بود و رویکردی تکثرگرا را بروز می داد و در برابر اقتضای فرهنگی، وجهه توحیدی و انسان ساز خود را فرو نمی گذاشت. بدین سان بود که در طی دوران اعتلای تمدن اسلامی، نوعی هماهنگی میان نیازها و اقتضاعات فرهنگی و اقلیمی در شکل بخشیدن به پدیده های شهرسازی مثل خانه های مسلمانان در شهرهای مختلف اسلامی بروز می یافت (عبدالستار، ۱۳۷۶: ۱۸۶).

■ تغییر نام به نکوئی در راستای بازآفرینی چهره شهری در صورت لزوم

حضرت رسول اکرم در بدو ورود به شهر «یثرب» نام شهر را به «مدینه» تغییر دادند. معنی لغوی خاصی نیز برای آن (یثرب) که عبارت بود از «لوم و فساد و عیب» یاد کرده اند (جعفریان، ۱۳۷۲: ۹۱). رسول اکرم با نهمی از کاربرد کلمه یثرب به جای آن؛ شهر را «مدینه» و طابه و طیبه نامیدند. پیامبر فرمودند کسی که مدینه را یثرب نام گذارد باید استغفار کند، مدینه پاک است (نظری منفرد، ۱۳۸۶: ۱۱۵). که نشان از کاربرد و تغییر ظاهر در راستای تغییر باطن و شروع تغییر از همین بدو ورود پیامبر به شهر مدینه با تغییر نام شهر در راستای خیر و نیکی و برکت بخشیدن به شهر است. این امر از سوی خداوند متعال نیز تأیید گشت و خداوند نیز فقط از قول منافقان مردم شهر را با نام یثرب خطاب قرار داده است که اشاره است به این که مؤمنان نام شهر را مدینه و «مدینه الرسول» نامیده اند و این منافقان و کسانی که در ایمانشان خللی بود از نام یثرب بعد از نهمی پیامبر استفاده می نمودند (ستاری ساربانقلی، ۱۳۹۵: ۴).

✓ وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَ يَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا (احزاب/۱۳): روزی که گروهی از ایشان گفتند: ای اهل مدینه، دیگر جای درنگ برای شما نیست، باز گردید و عده ای از آنها از پیامبر اجازه برگشتن گرفتند و می گفتند: خانه های ما مکشوف است و بند و بست محکمی ندارد، در حالیکه چنین نبود و قصدی جز فرار نداشتند

این تغییر نام علاوه بر نشان دادن تغییر سطح شعور و آگاهی و روی آوردن به مفهوم مدنی و حیات جمعی؛ نشان از رویکردی به بازآفرینی چهره شهری نیز می باشد.

■ درون گرایی

همان گونه که پیشتر نیز عنوان شد؛ اسلام، همواره برای حریم زندگی خانوادگی و ارزش های آن اهمیت زیادی قائل می باشد.

در همین چارچوب، اسلام حق هر فرد مسلمان را در دفاع از حریم خصوصی زندگی اش محترم می شمارد. در نتیجه، حریم خصوصی منزل در بسیاری از آیات قرآن و احادیث و روایات مورد اشاره قرار گرفته است:

✓ ای کسانی که ایمان آورده اید، به خانه ای غیر از خانه خودتان وارد نشوید، تا زمانی که اجازه گرفته باشید و به افراد منزل سلام کرده باشید، و اگر کسی در منزل نباشد، وارد نشوید تا زمانی که اجازه بیابید، اگر از شما خواستند که باز گردید پس داخل نشوید، که این کار باعث اخلاص بیشتر می شود، و خدا آگاه است که شما چه می کنید (نور/۲۸:۲۷).

✓ پیامبر اکرم (ص): اجازه (برای ورود به خانه) باید سه بار گرفته شود و اگر اجازه داده شود (سپس وارد شوید)، در غیر این صورت باز گردید

✓ پیامبر اکرم (ص): فرد وارد شونده باید به افراد درون منزل اعلام کند که او در حال ورود است، به همان صورتی که او دوست ندارد، مادر، خواهر و دخترش در شرایطی که دوست ندارد، دیده شوند، او نیز نباید قردی را به این صورت ببیند (اخوت، ۱۳۹۲: ۹۸).

اصول اسلامی در مورد حرمت خصوصی خانه از آن جا نشأت می گیرند که اسلام به مسلمانان دستور می دهد زندگی خصوصی خودشان را از دخالت عمومی جدا کنند. همچنین، این اصول به سیستم جداسازی روابط جنسی در اسلام نیز مرتبط می باشد (اخوت و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۴).

لذا در اثر تاثیر از این اصل، بعد از مسلمان شدن ساکنان نواحی مختلف جغرافیایی بر اثر ایدئولوژی اسلامی، یک جدایی گزینی کاملاً مشخص، بین زندگی عمومی و خصوصی مردم به وجود آمد، یعنی زندگی خصوصی خانواده ها به حریم استوار خانه یا مکان های محصور کشیده شد و از خیابان و کوچه (محل زندگی عمومی) قطع ارتباط پیدا کرد (شکوئی، ۱۳۷۳: ۱۸۸).

در همین راستا، نیز، یکی از مهم ترین معیارها در ابنیه معماری و شهرسازی اسلامی، بروز و تقویت درون گرایی به عنوان یکی از ویژگی های بارز این شهرها بوده است. به عبارتی می توان گفت که حفظ اعمال و ارزش هایی مانند محرمیت، آرامش، امنیت، خلوت، تنظیم شرایط محیطی در انواع اقلیم ها و توجه به درون بیشتر از بیرون سبب شد؛ تا یک نوع سلسله مراتب قوی و روشن و منحصر بفرد در شهرهای اسلامی - ایرانی به وجود آید. (شهابیان و اسدی، ۱۳۹۲: ۵۶۱).

درون گرایی یکی از ویژگی هایی است که درجه اهمیت به باطن را در مقابل توجه به ظاهر متجلی می سازد و در اصل تأکیدی بر عالم غیب و تفسیری بر یکی از صفات الهی (باطن) است و آن چه اهمیت دارد، آن است که در زندگی فرد مسلمان تأکید بیشتر بر ابعاد درونی و معنوی در مقایسه با ابعاد بیرونی و مادی است (نایبی، ۱۳۸۱).

شهرهای درون گرای اسلامی شهرهای بسته و کاملاً محصور بوده؛ و به این ترتیب از خود شهر گرفته تا محلات، خیابان ها و بخش ها تا مجموعه های مسکونی خانه ها و اتاق ها همه باید محصور بوده و دارای در و دروازه باشند؛ حتی راه های ارتباطی عمده کاملاً محصور هستند. این راه ها به کوچه های کوچکتر محلی و از آن جا به بن بست های بسیار تنگ و باریک و سپس به ورودی های خصوصی و نهایتاً به سایر راهروهای باریک به اتاق ها و ایوان منتهی می شود (اصل سلسله مراتبی).

چنین شهرهایی جذابیت های غیر قابل انکاری را دارا بوده اند؛ نظیر: تقابل و تضاد، آرامش و سکون از یک طرف و تحرک و هیجان شهری از طرف دیگر، و همچنین، کیفیت فضاهای آن، روش هایی را نیز برای زندگانی در تراکم زیاد ارائه می دهند. شهرهای اسلامی مجموعه ای از بافت خانه های شهری را تشکیل می دهند که اطراف حیاطی بنا شده و درون شبکه ای از خیابان های تنگ و تو در تو قرار گرفته اند. در راستای اصل درونگرایی، تقسیم بندی مشخص حیطة های اندرونی و بیرونی در شهرهای اسلامی، یکی از جذابترین ویژگی این شهرهاست. فعالیت تجاری و زندگی خانوادگی از نظر فضا و محیط به روشنی متمایز شده اند؛ به طوری که فعالیت تجاری در قلمرو مردان و فعالیت های خانگی در قلمرو زنان قرار داشته است (باقری، ۱۳۹۳: ۱۴۷).

▪ قلمرو سازی زنانه و مردانه

به طور کلی، همان گونه که در اصل درون گرایی بیان شد، اسلام اختلاط آزاد بین اعضاء غیر محرم با جنس های مخالف را مجاز نشمرد و آن را به عنوان تضاد با حریم خانواده در جامعه برمی شمرد. اسلام میزان ارتباط بین مردان و زنان را در مفهومی تحت عنوان محرمیت تعریف می کند و هر شخصی خارج از حیطة محرمیت به عنوان یک غریبه محسوب می شود. خداوند متعال، محدوده ارتباط بین مردان و زنان غریبه را در نظریه محرمیت در قرآن کریم، تعیین نموده است (اخوت و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۴):

✓ ای پیامبر، به دختران و همسران و به زنان مسلمان بگو آن ها باید لباس های بیرونی شان را در برابر نامحرمان بپوشند (وقتی در بیرون هستند) که این بهترین راه برای حفاظت از سوء نیت است (احزاب/ ۵۹).

در چارچوب اصل درون گرایی، ایجاد قلمروهای زنانه و مردانه شاید مهمترین عنصر شهرسازی در شهرهای اسلامی باشد. متنها یادآوری این نکته بسیار مهم است که قواعد این قلمروسازی تنها برای ایجاد مناطق فیزیکی مشخص نبوده، بلکه بیشتر برای ایجاد مناطق مشخص و مجزا به لحاظ بصری بوده است. هدف تنها جلوگیری از تماس فیزیکی نبوده، بلکه برای حفاظت بصری حریم خصوصی بوده است. فاصله دید، بیشتر از فاصله فیزیکی هدف طراحی شهری در شهرسازی شهرهای اسلامی بوده است. بنابراین، قوانین اسلامی مربوط به قرار دادن پنجره ها، ارتفاع ساختمان های مجاور و مسئولیت های متقابل همسایه ها نسبت به یکدیگر به گونه ای تنظیم می شد که حریم خصوصی بصری تأمین شود. معماری در خدمت این فرآیند بود. نه تنها تمهیدات غربال کننده مشبک کاری با چوب بلکه نقشه خانه ها و حتی محله ها این واقعیت به طور عجیب نامتقارن را به وجود آورد که زنان می توانند مردان را ببینند اما مردان نمی توانند آن ها را ببینند، به استثنای کسانی که نسبت مشخصی با آنان را دارند (ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۳: ۷۱). در هر حالت، این راهکارهای فوق الذکر را می توان در چارچوب دو مورد زیر جمع بندی نمود (اخوت و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۵):

(۱) سایت خانه

(۲) پلان خانه

(۱) سایت خانه

محققین اسلامی اعتقاد دارند که دید و منظر بصری از بیرون خانه به سمت داخل، بایستی با ایجاد یک راهروی عمیق بین بافت شهری و خانه، از بین برود. به طور کلی، سه عنصری که طراحیشان می تواند باعث تجاوز بصری از بافت شهر به خانه شود شامل درهای ورودی، پنجره ها و بالکن ها و ایوان خانه ها می باشند (همان).

جدول ۱: راهکارهایی در جهت ارتقای حریم بصری مبتنی بر تجربیات در شهرهای اسلامی

| | | |
|--|---------------|--|
| درهای همسایگی نباید رو برو یا نزدیک یکدیگر باز شوند (با توجه به عرض معبر شهری مابین) | درب های ورودی | راهکارهایی در جهت ارتقای حریم بصری مبتنی بر تجربیات در شهرهای اسلامی |
| درب ورودی خانه نباید به هر نوع خیابانی چه باریک و چه گسترده باز شود مگر این که زاویه دید از فرد ایستاده جلوی درب طوری باشد که خانه دیده نشود (در حدود ۴۵ تا ۹۰ درجه) | | |
| ساخت راهرو یا هشتی پس از درب ورودی | | |
| پنجره نباید مشرف به خانه های دیگران باشد. حتی اگر نیاز به دریافت نور طبیعی و تهویه هوا از آن سمت مهیا باشد. | پنجره ها | |
| دقت در جانمایی پنجره های طبقات بالا | | |
| ارتفاع پنجره طبقات بالا در حدود ۲۵۰ سانتیمتر بالاتر از سقف طبقه همکف | | |
| پنجره های هم کف بالاتر از سطح تراز چشم انسان در خیابان (در حدود ۱۷۵ سانتیمتر بالاتر از سطح زمین در حالت سطح تراز مساوی داخل خانه و بیرون) | | |
| جانمایی پنجره طبقه همکف باید به گونه ای باشد که فرد داخل خانه نتواند داخل خانه مقابل را نظاره کند. | | |
| با هم تراز قرار ندادن پنجره های رو بروی هم در یک معبر و ایجاد اختلاف ارتفاع در آنها | | |
| افزایش ارتفاع خانه ها تا آن جا که مزاحمتی برای حریم بصری خانه های اطراف ایجاد نکند، بلامانع است. | | |
| توصیه می گردد که تمامی خانه ها در بافت شهری، در یک ارتفاع و به صورت هماهنگ احداث شوند. | | |
| بالکن بایستی در مکانی ساخته شود که مشرف به پنجره خانه همسایه نباشد | | |
| پشت بام حتماً بایستی توسط جان پناه بلندی محصور گردد. | | |

۲) پلان خانه ها

از آن جا که محرمیت داخل خانه به نوعی با نحوه چیدمان فضاها در داخل خانه در ارتباط است، طراحی خانه های سنتی در شهرهای اسلامی به گونه ای صورت می گرفت که موضوع محرمیت در دو بعد عرصه عمومی و عرصه خصوصی رعایت می شد (همان، ۱۳۳۳).

■ اصل سلسله مراتبی

موضوع حریم خصوصی بانوان، دغدغه عمده آموزه های اسلامی می باشد. در این راستا، همان گونه که بیان شد، در آیین اسلام حق و وظیفه هر خانواده ای است که در خانه خود با آرامش زندگی کند. حفظ فاصله شفاف و واضح میان زندگی خصوصی و عمومی یکی از مهم ترین مشخصه های اجتماعی فرهنگ اسلامی

است. خداوند منان در قرآن کریم فرمان داده است که مسلمان بایستی زمانی که در فضای عمومی و خارج از خانه‌هایشان هستند باعفت و فروتنی و عفت رفتار نمایند (سوره نور، آیه ۳۰).

از آن جا که این مطلب یک اصل شرعی است حریم خصوصی فرد و خانواده‌اش بایستی هم در منزل و در همسایگی‌ها حفظ گردد. این هدف در محیط سنتی که فضاهای بیرونی و خیابان‌ها با سلسله‌مراتب خاصی در عین یکپارچگی و نظم تدوین یافته بودند، با موفقیت حاصل شد. (اخوت و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

نظام سلسله‌مراتبی دسترسی‌ها و فضا برای دفاع و حفظ حریم خصوصی و خانواده و عدم اختلاط جنسی افراد نامحرم مورد تأکید دین اسلام در جهت آسایش و پایداری اجتماعی جامعه انسانی و اسلامی است آنچه سلسله‌مراتبی از فضا را در محله‌ها و شهر اسلامی ساماندهی می‌کند سلسله‌مراتب عبوری و یا دسترسی‌ها است که در محله‌های شهر اسلامی از ارکان فضایی شهر محسوب می‌شوند.

در ایران نیز، یکی از مهم‌ترین تجلیات کالبدی، رعایت سلسله‌مراتب در ابنیه‌ی معماری و شهرسازی ایرانی -اسلامی یعنی بروز و تقویت درون‌گرایی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های بارز این شهرها بوده است؛ به‌ویژه در مورد مسکن، مسجد، مدرسه و امروزه به‌عنوان یکی از اصول اصلی معماری و شهرسازی اسلامی مطرح است. (صفری چابک و لطیفی، ۱۳۹۳: ۶۳).

در همین راستا، همه فضاهای شهری و محله‌ای در چارچوب رسیدن به اهداف دنیایی و آخرتی دین اسلام برای زندگی انسان مسلمان به هم مرتبط و بهم‌پیوسته است؛ و این ارتباطات فضایی سه عنصر خانه، محله، شهر را در جایگاه سلسله‌مراتبی دارای قلمرو، دسترسی و مرکزیت باهدف وحدت بخشی عملکردها و رونق بخشی فعالیت و اصلاح رفتاری انسان‌ها تنظیم می‌شوند بدون اینکه در بسیاری موارد فعالیت حسابگرانه‌ای در کار باشد، در بیشتر موارد الزام به رعایت حدود الهی و اجرای احکام الهی همچون مستحب و مکروه و... به شکل‌گیری فضا دامن می‌زند؛ یعنی اصول و قوانین اسلام در صورت اجرا موجب پدید آمدن فرم و فضاهایی متناسب و متفاوت با دیگر شهرها می‌گردد.

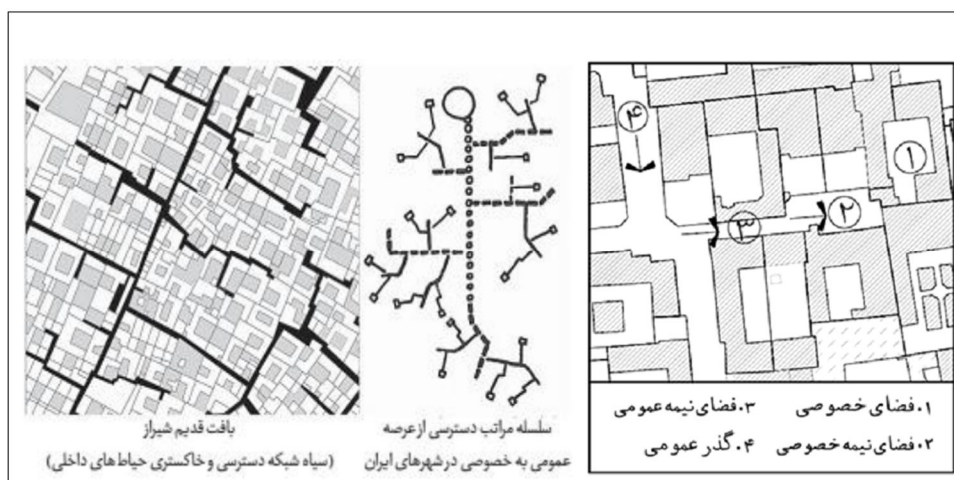
معابر اصلی، عمدتاً از مرکز بخشی که بالاترین سطح زندگی اجتماعی و عمومی (فعالیت‌های عمومی) در آن جا شکل می‌گرفت، آغاز می‌گشت. ابعاد این معابر به مرور تقلیل یافته و هویت و محتوایشان نیز تغییر می‌کرد؛ به این صورت که فرم و عملکرد سلسله‌مراتبی از فضای عمومی به نیمه عمومی و بعد به بن بست و در نهایت به حیاط خلوت که تنها برای دسترسی خصوصی خانه بود، داشت. بن بست‌ها بسیار خصوصی بودند در حدی که به عنوان بخش الحاقی فضای خصوصی خانه به شمار می‌رفتند. چنین تمایز

فضایی گاه با بهره گیری از درگاه ها (درب ورودی) و طاق ها که معبر را همچون کاربری اراضی (به عنوان مثال مسکونی و تجاری) تفکیک می کردند، انجام می یافت (اخوت، ۱۳۹۴: ۱۱۳).

■ دسترسی

شبکه معابر در شهرهای اسلامی به مانند هر شهر دیگر از عمده ترین فضاهای شهری عمومی هستند. دسترسی ها در شهرهای اسلامی همواره نظام سلسله مراتبی خود را از مراکز شهر تا کوچه های باریک بن بست درون محلات تا قبل از مدرنیسم حفظ نموده اند. خیابان کشی عصر نوگرا در بسیاری از موارد بافت های منسجم اجتماعی را دو یا چندپاره کرده و زمینه ناپایداری ها و مشکلات بعدی را فراهم نمودند. به هر حال، در آغاز تحولات شهری اسلام؛ گسترش و اصول طراحی شهری عمدتاً حول دو محور مسکن و دسترسی ها متمرکز شد. توسعه و گسترش این دوه واسطه فقه اسلامی همراهی می شد و بلافاصله ماهیتاً به صورت نیمه قانونمند درمی آمد... (سلیم، ۱۳۸۱: ۲۹).

نقش محوری سلسله مراتب دسترسی ها در ایجاد فضاها و عملکردها همچون جایگزینی انسان محوری به جای محور قرار گرفتن اتومبیل و ایجاد و تقویت تعاملات انسانی با فضا سازی های خردمندانه در مسیرها یا الگوهای شهرهای سنتی که حتی برخی مسیر را نیز سرپوشیده (ساباط) با عملکردهای مختلف به ویژه آسایش اقلیمی طراحی شده است.



شکل ۱: سلسله مراتب فضاها و دسترسی ها در بافت های قدیم شهرهای اسلامی - ایرانی (سرتیبی، م ۱۳۷۸: صفری چابک و لطیفی، ۱۳۹۳)

به گفته حقوقدانان مسلمان، پهنای معابر، از مفهوم «مصلح» و یا مزایای اجتماعی که خواستار توجه به کیفیت زندگی و حقوق مردم و حذف مزاحمت می باشد، بر می آید. این بدان معناست که عرض معبر تحت تأثیر عملکرد آن در منطقه مسکونی است (اخوت و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۲).

▪ مرکزیت

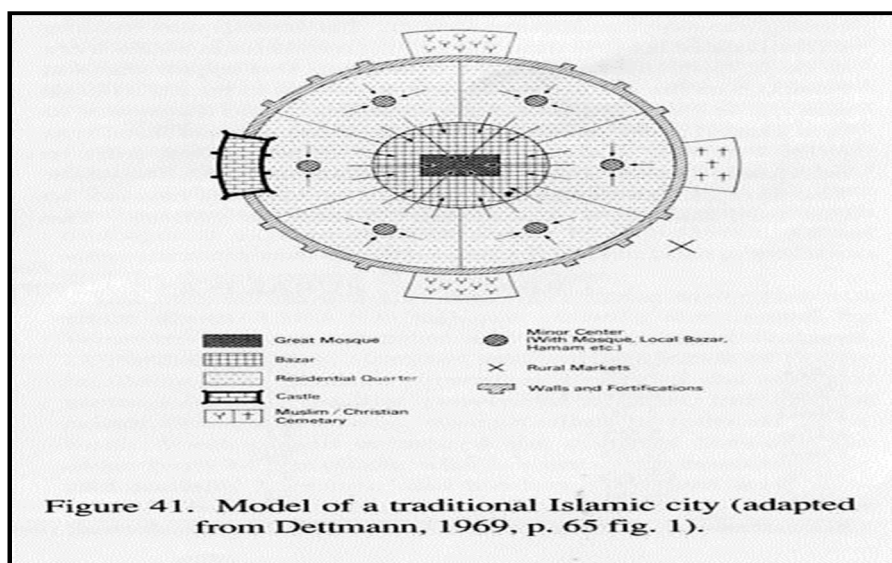
مامفورد، معتقد است که «شهر خود یک مرکز است» در این برداشت مفهومی، شهر به ایجاد شرایطی دست می زند که در آن شرایط فعال، عناصر نامتجانس و ناهمگن در انزوا و بی تحرکی به حال خود رها نمی شوند. در شهر به عنوان مکان و رویارویی ارتباطات و اطلاعات، همه محدودیتها و هنجارها در هم ممزوج و حل می شوند و از طریق عناصر و شرایط غیرقابل پیش بینی به هم مرتبط می شوند (Brenner, N& Colleagues, 2012) در واقع وی می خواهد اهمیت مرکزیت شهر را در جذب و هضم انسانها، فعالیتها و رخدادهای گوناگون نشان دهد (فنی، ۱۳۹۳: ۴۶).

در همین راستا، شهرهای مسلمان نشین بر اساس سه عنصر یگانه مذهب، حکومت و تجارت برای امتی واحد شکل گرفته اند؛ و تجلی کالبدی این عناصر، مسجد، ارگ و بازار است که ساختار شهر بر مبنای مرکزیت آنها پیدا می شود (اعتضادی، ۱۳۷۸: ۶۷).

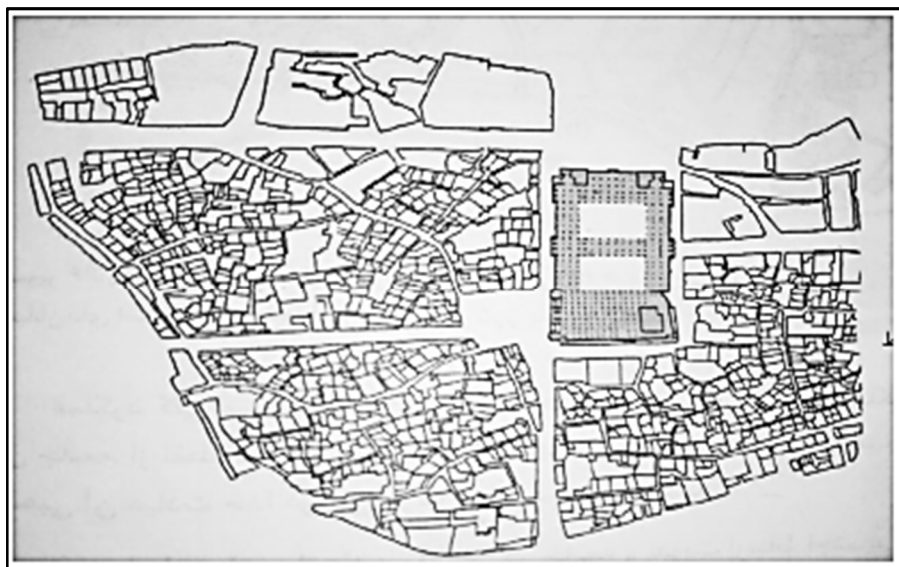
در شهر اسلامی نه تنها ساختار کالبدی شهر از مرکز آن متبلور می شود، بلکه این ساختار به طور ذاتی تمامی توجهات را نیز به طرف مرکز معطوف می دارد. پیام نمادین آن سازمان دهی روابط سلسله مراتبی فرم و عملکرد هر دو به سوی مرکز است (سناجردی، ۱۳۸۲: ۱۴۵). در غالب محلات سنتی مرکز محله در مرکز جغرافیایی و فیزیکی محله واقع شده است و در برخی از محلات نیز ممکن است مرکز محله یعنی مرکز ثقل اقتصادی-اجتماعی و همچنین محل برخورد دسترسیها در گوشه ای از محله واقع شده باشد که در بیشتر شهرها. نمونه هایی از آن می توان یافت.

مراکز شهری و همچنین مراکز محلات شهری به عنوان مرکز ثقل فعالیت های اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی و تمرکز جمعیتها جایگاه خاصی داشته است. در محلات شهر اسلامی معمولاً مساجد به عنوان مکان تجمع انسانهای مؤمن در مرکز جغرافیایی محلات استقرار می یافتند. اولین اقدام عمرانی، فرهنگی و سیاسی پیامبر (ص) در آغاز ورود به مدینه تعیین مکان استقرار مسجد و در واقع استقرار تجمع مسلمانان

است؛ و به نظر می‌رسد هدف شرع مقدس علاوه بر آثار متنوع اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی پیامد مهم سیاسی و تشکیل جلوه‌ای از شکوه اجتماع و همبستگی آن‌ها است. مرکز محله را می‌توان مهم‌ترین ویژگی و محل تبلور تعاملات و تظاهرات اجتماعی دانست. در این فضای مکانی که برای مردم محله سهولت دسترسی از هر سو تقریباً یکسان است، همه کاربری‌ها از مسجد و مدرسه و بازارچه و... در جهت افزایش تعاملات و همبستگی اجتماعی عمل می‌کنند؛ و در کوتاه زمانی هر غریبه‌ای به یک آشنا و برادر دینی دیگران مبدل می‌گردد.



شکل ۲: مدل طراحی شده دتمان (دتمان، ۱۹۶۹)



شکل ۳: تصویر مسجدالنبی مسلط بر شهر مدینه (اخوت و همکاران، ۱۳۸۹)

■ انسجام اجتماعی

امت، گروهی از انسان ها است که نشان و صفت اصلی آن، اعتقاد به دین واحد مشترک (موروثی) با رعایت روحیه، تفکر و هنجارهای رفتاری دینی، به ویژه رسوم ارزشمند آن است (مؤمنی، ۱۳۷۵: ۳۴).

در اسلام نیز، به عنوان یکی از اهداف آن، بازتاب مفهوم امت یا انسجام اجتماعی در میان مردم جزء اصول ضروری در طراحی و تنظیم شرایط محیط ساخته شده و شهرسازی مسلمانان است. موقعیت اجزای تشکیل دهنده ی شهرها (به عنوان مثال خیابان ها، فضاهای باز، کاربری اراضی) بایستی مورد توجه قرار گیرد و بدین سان محصول نهایی این اصل باشد. این بدان معناست که محیط انسان ساز، باید از لحاظ اجتماعی جهت گیری بیشتری داشته باشد و یا بایستی توانایی هایی که روابط و تعاملات اجتماعی را بهبود می بخشد، فراهم نماید.

بازتاب اتحاد اجتماعی در شهرهای سنتی اسلام به وضوح آشکار است. به عنوان نشانی برای مفهوم امت، محیط سنتی یک دستاورد همگانی و اجتماعی می باشد؛ بر همین منوال، حاصل امیال فردی از اهداف اجتماعی کمتر نمود یافته است. در همین راستا، فشردگی شهری در شهر «جده قدیمی» ناشی از پیکر بندی خیابان ها و فضاهای باز، انعکاسی از مفهوم امت و راهکاری در جهت افزایش همبستگی اجتماعی می دانند (اخوت و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۰).

■ عدل

صفت عدل علیرغم اهمیت آن، از آن جهت در انتهای اصول؛ بعد از اصل بسیار مهم انسجام اجتماعی و پیش از اصول منطقه بندی و کاربری شهری ذکر گردید؛ که ذهن به مرور متوجه اهمیت آن شده و خواننده دریابد که هر آن چه نوشته شد و نگاشته خواهد شد، جنبه هایی از تجلی عدل البته در پرتو ارتقای انسجام اجتماعی است. آیات متعددی از قرآن کریم مسلمین را به رعایت عدل توصیه نموده است. از جمله این آیات عبارتند از:

✓ یا ایها الذین امنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لا یجر منکم شئنا قومعلی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتعوی و اتقوا الله خبیر بما تعلمون (مائده/۸): ای اهل ایمان در راه خدا پایدار و استوار بوده و (بر سایر ملل عالم) شما گواه عدالت و راستی و درستی باشید و البته شما را نباید عداوت

گروهی بر آن بدارد که از طریق عدل بیرون روید. عدالت کنید که عدل به تقوی از هر عمل نزدیکتر است و از خدا بترسید که خدا البته به هر چه می کنید آگاهست).

✓ قل امر ربی بالقسط و اقیموا وجوهکم عند کل مسجد وادعوه مخلصین له الدین کما بداکم تعودون(اعراف/۲۹): بگو ای رسول ما پروردگار من شما را به عدل و درستس امر کرده و نیز فرموده که در هر عبادت روی به حضرت او آرید و خدا را از سر اخلاص بخوانید که چنانچه شما را در اول بیافرید، دیگر بار به سویش باز آید).

عدالت منحصر به عدالت قضایی و اجتماعی نیست. مفهوم عدل به عنوان صفت تداوم هستی کائنات است. نقش عدل در ایجاد شهر مناسب زیست مسلمین و تداوم حیات آن، دارای نقشی بسیار حساس و حیاتی است. رعایت عدل نافی ایجاد قطبهای شهری بر مبنای درآمد و ثروت مردم و معیارهای مادی است.

توزیع عادلانه امکانات شهری و فراهم آوردن امکان دسترسی متعادل ساکنین به آنها مورد مهم دیگری است که مرعی داشتن آن نشانه تجلی عدل در شهر است.

استقرار و مکان‌یابی مناسب هر عنصر و فضای شهر و ارتباط منطقی و مناسب آنها با یکدیگر نیز موضوعی است که ریشه در رعایت عدل دارد.

اسلام تعهد به تشکیل «امت» که لازمه آن استحکام واحدهای اجتماعی (خانواده، اهل محله و همسایگی) است را تقویت می‌نماید؛ و مفاهیم همبستگی و انسجام را با مفهوم امت یکسان می‌داند... در محلات مسکونی شهر اسلامی - ایرانی به واسطه پیچیدگی و تداخل فراوان ساختار شبکه فضاهای عمومی تا خصوصی نوعی پیوستگی میان فقیر و غنی است. چنین تراکم ظاهری بازتابی از «مفهوم امت» خواهد بود و سبب یکپارچگی و تعامل اجتماعی میان شهروندان خواهد بود (هشام، ۱۳۸۷: ۴۴). این موضوع حاصل اصل مهم و اسلامی یعنی اصل عدالت است که به توازن و تناسب تعریف می‌شود و شامل موزون بودن، نفی هرگونه تبعیض، رعایت حقوق افراد و عطا کردن حق هر ذی‌حق است (نقی زاده، ۱۳۸۹).

منطقه بندی و کاربری اراضی: حفظ انسجام اجتماعی و استقرار عدالت

همان گونه که بیان شد؛ اسلام تبعیض های اجتماعی در زمینه های اقتصادی را منع می کند. این مسئله نیاز در به کارگیری تمام اقدامات و ترفندهایی دارد که اتحاد اجتماعی امت مسلمانان را با جمع نمودن تمام اعضای جامعه در کنار یکدیگر حفظ می کند. بنابراین، منطقه بندی شهری محیط مسلمانان نیز باید از این اصل پیروی کند. به نقل از اخوت و همکاران (۱۳۹۴)، سنت رسول، تقسیم بندی مطلوبی را برای محیط مدنی مسلمانان پیشنهاد می نماید. زمانی که پیامبر اکرم (ص) در ۶۲۲ میلادی به «قبا» رسیدند (بیرون مدینه)، مسجدی بنا نهادند؛ و پس از ورود به مدینه، مسجد دیگری را به منظور ایجاد برادری میان انصار (ساکنین مدینه) و مهاجران ساخته و بعد از آن شروع به توزیع اراضی شهر نمودند. این رویکرد پیامبر اکرم (ص) در شهرسازی و برنامه ریزی شهری، که آموزه ای از ترکیب مفهوم فیزیکی و معنوی توسعه است، سه هدف اساسی زندگی مسلمانان را نشان می دهد:

۱) ضرورت و اهمیت فرمانبرداری از خدا

۲) وحدت و برادری امت

۳) ضرورت ایجاد ارتباط میان توسعه فیزیکی با دستاورد این اهداف (یاد پروردگار و وحدت امت)

با توزیع اراضی مدینه، پیامبر اکرم (ص) نخستین سیستم تقسیم بندی برای محیط زندگی مسلمانان را بنا نهاد. تحقق بخشیدن به اهمیت وحدت اجتماعی در سازماندهی شیوه ی زندگی مردم در محیط مدنی، مسئله ای بود که آن حضرت توجه فراوانی را به این وحدت و اولویت در روش توزیع اراضی مبذول داشتند. ایشان «خطاط» (محلات یا بخش ها) را به قبایلی با پیشینه های قومی متفاوت، با وجود همگن بودن، بدون توجه به دارایی یا تنگدستی ایشان می بخشیدند.

در ضمن، هر یک از این بخش ها بر طبق نیازهای ساکنان، طبقه بندی و واگذار می شد. این بدان معنا بود که، پیامبر اکرم (ص) بیشتر به کلیت استقرار مسلمانان (امت) توجه داشتند تا تقسیمات اراضی؛ همچنین ایشان، به اجرای هیچ قانونی در زمینه سازماندهی فضاهای داخلی یا زیرساخت های محله ها اجبار نمی نمودند. این مسئله قابل فهم بود که چنین سازماندهی فضایی یا زیرساختی بایستی بر پایه ارزش های اسلامی و نیازهای ساکنان شکل گرفته باشد.

در واقع، تلاش پیامبر اکرم در تقسیم شهر مدینه از منظر قومی (نه اقتصادی)، برای حفظ وحدت اجتماعی و روابط میان اعضای هر یک از قبایل بود. صرف نظر از سنت، به اعتقاد اخوت و همکاران، بخش بندی پیامبر اکرم (ص) از جنبه اجتماعی مطلوبیت والایی داشت، به گونه ای که هر قبیله به حفظ روابط قوی میان اعضای خود خو گرفته و زندگی نزدیک یکدیگر را ترجیح می دادند. در نتیجه، مردم هر محله در قالب قبیله و گروهی زندگی می کردند و احساس قوی همبستگی اجتماعی با وظایف و تعهدات متقابل داشتند. این مسئله به انسجام اجتماعی کل جامعه یاری می رساند (اخوت و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۳).

سیستم بخش بندی شهری پیامبر اکرم (ص)، تا قرن دوم و سوم تاریخ اسلام در شهرهای مختلفی ادامه داشت (Hakim, 1986:285).

«ون گرونیوم»، در مطالعات خویش در زمینه ساختار شهری مسلمانان، به تشابه قوی میان الگوی شهرهای سنتی مسلمانان عرب و بخش بندی پیامبر اکرم (ص) اشاره می کند، وی سازماندهی هر یک از این شهرها در قالب محله را به بخش بندی اصلی «مدینه» و شهرهای نوینادی ارجاع می دهد که توسط سپاهیان اسلام ساختاری یافتند که در آن هر قبیله محله مخصوص خود را داشت. «پتربریج» در تجزیه و تحلیل های خود از شهر سنتی بغداد، که در قرن هشتم میلادی توسط خلیفه ی عباسی، «منصور» طراحی گشت، می گوید: «محله ها بر پایه طبقات اجتماعی تقسیم بندی نشدند؛ هر یک به منزله یک بدنه منسجم بود که فقیر و غنی کنار یکدیگر با سهم بودن در مساجد، چشمه ها، حمام های عمومی، کوره ها و بازار زندگی می کردند».

به شکلی مشابه، شهر «الفسطاط» تحت نظر ولی امر «عمرو ابن العاص» در ۶۴۹ میلادی با توجه به جنبه های قومی طراحی گشت. این شهر محله یا بلوک هایی را در بر می گرفت که به اقلیت ها (همچون: آفریقایی، ارمنی، بربری، یونانی، کرد، ترک و...) با توجه به ریشه های قومی آن ها اختصاص یافته بود. همچنین ۴۹ محله مختلف توسط قبایل متفاوت عرب از جمله «لخیم» و «بنی ویل» مسکون شدند؛ از آن پس، محلات نام قبایل یا سران قبایل یا زیر قبایل خود را می گرفتند (Al-Hathloul, 1980:29,54).

در همین راستا، به عنوان یکی از اصول بنیادین از مفاهیم اسلامی امت، این عدالت اجتماعی و یکپارچگی آن بود که الگوی کاربری اراضی محیط های شهری مسلمانان را تعیین می کرد. در محیط های سنتی، هر عضو از جامعه می توانست از فضاهای عمومی، مذهبی و امکانات تجاری به گونه ای برابر بهره جوید.

سازمان دادن به کاربری اراضی در محیط سنتی اسلام الگویی ترکیبی فضایی بود که بر اتحاد و یکپارچگی جامعه تأکید فراوانی داشت. این الگو روابط اجتماعی میان مردم را تقویت می نمود همان گونه که کاربری های اراضی کاملاً منسجم بودند؛ و در این راستا، نیازی به سیستم عبور و مروری که خود موجب گسیختگی یکپارچگی جامعه می شد، وجود نداشت.

به عبارت دیگر، تقسیم کاربری زمین در صدر اسلام، دارای الگویی چندگانه بود که نمایانگر تأکید فراوان بر یکپارچگی اجتماعی می باشد. در این الگو، کاربری زمین کاملاً انسجام یافته بودند و هیچ گونه نیازی به سیستم کنترل ترافیک نبود که سبب بر هم زدن یکپارچگی اجتماعی شود، بنابراین روابط اجتماعی بین مردم تقویت می گردید (هشام، ۱۳۸۷: ۱۱۱).

با این حال، اگر جدایی میان کاربری اراضی وجود داشت، تنها به خاطر دلایل اجتماعی-مذهبی نظیر جدایی میان قلمروی عمومی و خصوصی بود، که در اصول اسلامی برای حفظ حریم خصوصی در محله های مسکونی منعکس شد (اخوت و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۵). در کل از مهمترین نکات حائز اهمیت در منطقه بندی شهری و کاربری اراضی که بر اساس آموزه های اسلامی می باید مورد توجه قرار گیرد، می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- تسهیل نیازها و نفع عمومی از طریق ایجاد دسترسی مناسب
- عدالت در دسترسی ها
- کوتاهترین فاصله
- توزیع کاربری ها با توجه به عدالت
- اولویت نسبت به حفظ حریم خصوصی در مقایسه با توسعه فضاهای تجاری

نتیجه گیری

شهر اسلامی شهری است که از انسان مؤمن، کالبد زمینه ساز استقرار بروز رفتارهای اسلامی فرد و جامعه مؤمن تشکیل یافته است. به عبارت دیگر شهری اسلامی است که فرد مؤمن با رفتاری اسلامی در کالبدی اسلامی زندگی نماید.

در شهر اسلامی فرد مؤمن و نگرش ها و رفتار آن مهمترین عنصر محسوب می گردد و در این میان کالبد ظرف محسوب می گردد. در همین راستاست که می توان شناسه های تشخیص بخش شهرسازی و برنامه ریزی در شهرهای کشور را که در مواردی چون اصلاح زمین، بسترسازی افزایش کاربرد قوانین و اصول اسلام در شهرها، هویت، شهرسازی و برنامه ریزی شهری مشارکتی، حفاظت از محیط زیست طبیعی، عبرت، اجتناب از لغو و بطالت، اجتناب از تفاخر و تفرعن، اجتناب از فساد، اجتناب از اسراف، نظم، استحکام و ثبات، زیبایی و امنیت، تسبیح، توجه به اقتضاعات اقلیمی و جغرافیایی تغییر نام به نکوئی در راستای بازآفرینی چهره شهری در صورت لزوم، درون گرایی، فلمروسازی زنانه و مردانه، اصل سلسله مراتبی، دسترسی، مرکزیت، انسجام اجتماعی، عدل، منطقه بندی و کاربری اراضی: حفظ انسجام اجتماعی و استقرار عدالت طرح گردید، می توان تفسیر نمود. در این میان توجه به انسجام اجتماعی، عدالت و محرمیت از نهایت اهمیت برخوردار می باشد.

منابع

- ۱- احمدی دیسفانی، یداله و محمدعلی آبادی (۱۳۹۰)، کنکاشی در باب شکل شهرسنتی از منظر اندیشه اسلامی، فصلنامه علمی-پژوهشی باغ نظر، دوره هشتم، شماره ۹، صص ۱۷-۳۰
- ۲- اخوت، هانیه و همکاران (۱۳۸۹)، معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی، تهران، انتشارات هله
- ۳- اخوت، هانیه (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی ابعاد حریم در مسکن سنتی و معاصر با استفاده از مدل تحلیلی BDSR، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۲، تابستان ۱۳۹۲
- ۴- عتضادی، ل (۱۳۷۸)، نقش مسجد در ساختار شهرهای مسلمان نشین، ماهنامه مسجد شماره، شماره ۴۴
- ۵- امیرفخریان، مصطفی (۱۳۹۴)، بررسی انسجام درونی محله های شهری در شهرهای اسلامی و تقابل آن با پروژه های نوسازی شهری؛ نمونه محله عامری شهر مشهد، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال دوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص ۱۴۳-۱۲۵
- ۶- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۳)، شهرهای اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران
- ۷- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۳)، مقالاتی درباره شهر اسلامی، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران
- ۸- باقری، اشرف السادات (۱۳۹۳)، تحلیل و بررسی درونگرایی در شهرهای سرزمین های اسلامی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۵۸-۱۴۵
- ۹- بemat، نجم الدین (۱۳۶۹)، شهر اسلامی، ترجمه محمد حسن حلیمی و منیژه اسلامبولی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۱۰- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸)، زیبایی هنر از دیدگاه اسلام، تهران، انتشارات پیام نور
- ۱۱- جعفریان، رسول (۱۳۸۵)، نگاهی به ادوار تمدن اسلامی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۰۸، شهریور و مهر ۱۳۸۵
- ۱۲- رضایی، محمود (۱۳۹۲)، ارزش های جاوید و جهان گستر شهرسازی اسلامی (بازنمودی از نگرش های فراکالبدی و فرازمانی شهر اسلامی)، فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۳، پائیز ۱۳۹۲، صص ۱۹۰-۱۶۹
- ۱۳- ستاری ساربانقلی، حسن (۱۳۹۵)، بازخوانی آرمان شهر نبوی حضرت رسول اکرم (ص) در مدینه النبی برای الگوگیری در باز تعریف پایه پیشرفت شهرسازی کشور، پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: الگوی پایه پیشرفت، ۳۰-۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۵
- ۱۴- سلیم، ح. ب (۱۳۸۱)، شهرهای عربی - اسلامی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۱۵- سلیمانی، علیرضا و آیناز قادری (۱۳۹۵)، طراحی شهری با تأکید بر خیابان ایرانی - اسلامی، تهران، انتشارات طحان
- ۱۶- شکوئی، حسین (۱۳۷۳)، دیدگاه های نو در جغرافیای شهری (جلد اول)، تهران، انتشارات سمت
- ۱۷- شهبان، پویان و ریحانه اسدی (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی معیارهای شهر اسلامی با قم، قم، انتشارات جهاد دانشگاهی قم
- ۱۸- صفری چابک، ندا و غلامرضا لطیفی (۱۳۹۳)، باز آفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی اسلامی، فصلنامه مطالعات شهری، صص ۳-۱۲
- ۱۹- عبدالستار، عثمان محمد (۱۳۷۶)، مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، تهران، انتشارات امیر کبیر
- ۲۰- فنی، زهره (۱۳۹۳)، مطالعات و جغرافیای شهری معاصر، تهران، انتشارات سمت

- ۲۱- مومنی، مصطفی (۱۳۷۵)، نظری بر شهرشناسی جغرافیایی شهرهای ایرانی-اسلامی، مجله نمایه پژوهش، شماره ۹ و ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۷۸، صص ۲۸-۴۶
- ۲۲- نایی، فرشته (۱۳۸۱)، حیات در حیاط در خانه های سنتی ایران، تهران، انتشارات، نزهت
- ۲۳- نظری منفرد، علی (۱۳۸۶)، تاریخ اسلام رسول اکرم (ص)، از هجرت تا رحلت، قم، انتشارات جلوه کمال
- ۲۴- نظریان، اصغر (۱۳۸۸)، جغرافیای شهری ایران، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور
- ۲۵- نقره کار، عبدالحمید (۱۳۸۷)، حکمت هنر و معماری اسلامی، تهران، انتشارات دانشکده علم و صنعت ایران
- ۲۶- نقی زاده، محمد. (۱۳۹۲). شهر اسلامی و روش بهره گیری از متون مقدس، کتاب ماه هنر، شماره ۱۷۷
- ۲۷- نقی زاده، محمد (۱۳۸۹)، تاملی در چیستی شهر اسلامی، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره اول، پائیز ۱۳۸۹، صص ۱-۱۴
- ۲۸- وثیق، بهزاد و آزاده پشوتنی زاده (۱۳۸۹)، مفاهیم سکونت در آیات و روایات اسلامی، فصلنامه علمی-پژوهشی مسکن و محیط روستا، دوره ۲۹، شماره ۱۲۹، بهار ۱۳۸۹، صص ۵۰-۶۵
- ۲۹- هشام، ج (۱۳۸۷)، پیدایش شهر اسلام، ترجمه سعید مقدم، مشهد، انتشارات استان قدس رضوی
- 30- Abu-Lughod, J.L. (1987), The Islamic city: history Myth, Islamic essence and contemporary relevance, International Journal of Middle East Studies, Vol. 19, No. 2, pp. 155-176
- 31- Al-Hathloul, S.A. (1980), tradition, continuity and change in the physical environment: the Arab-Muslim city, unpublished Ph.D Diss. Cambridge, Massachusetts Institute of Technology
- 32- Hakim, B.S. (1986), Arabic-Islamic cities: building and planning principles, New York, KPI Limited
- 33- Idrus, M.T. (1985), between western values and Islamic ideals in town planning, challenges of transformation built environment in Islamic Countries, Council of Architects and Town Planners